



قلعه توس نوذر دژی ناشناخته از اسماعیلیان در کوه خرازان شهرستان تفرش

علی نوراللهی^۱

۱ دکتر باستان‌شناسی؛ پژوهشگر مستقل. نویسنده مسئول: alinourallahi@yahoo.com

چکیده	اطلاعات مقاله:
قلعه توس نوذر بر روی برونزدی صخره‌ای در میانه دره‌ای به نام برف‌چال که در جهت شمالی جنوبی کشیده شده در دهستان خرازان و بر مسیر راه تفرش به ساوه مکانیابی و ساخته شده است. به گمان علت و چرایی ایجاد قلعه توس نوذر در ادوار مختلف تاریخی و بعد آن را بایستی در وضعیت جغرافیایی و اجتماعی این منطقه جستجو کرد. این قلعه و پیرامون آن برای دستیابی به اطلاعات صورت پیمایشی بررسی شد. قلعه توس نوذر دارای دو بخش اصلی یعنی ارگ که در بخش فوقانی برونزد صخره‌ای ایجاد شده و به‌سختی قابل دسترس است. این بخش قلعه که ارگ اصلی قلعه روی آن بنا شده شامل اتاق‌های متعددی است، از مصالح لاشه‌سنگ و گچ نیم‌کوب و آجر ساخته شده‌اند. به‌علت کمبود سطح قابل استفاده این بخش دارای بافت معماری فشرده‌ای است و سازندگان و معماران برای بسترسازی و ایجاد فضاها ناچار بوده‌اند ابتدا با ساخت‌وسازهایی شیب قسمت فوقانی صخره را گرفته و سپس بر روی آنها فضاهای مورد نظر را ایجاد کنند. در قسمت جنوبی در بستر صخره‌ای چند مخزن و آب‌انبار مستطیلی شکل در جهت شمالی جنوبی ایجاد شده است. بخش پائین دست شامل دامنه‌های برونزد صخره‌ای است که در برگرنده بناهای ساکنان عادی و دیگر تأسیسات مربوط به این بخش قلعه است. این قلعه بر اساس داده‌های باستان‌شناسی در دوره اشکانیان بنیاد گذاشته شده و در دوره ساسانیان همچنان مورد استفاده بوده است. در دوره اسماعیلیان این قلعه با توجه به موقعیت خاص آن دوباره مورد توجه و بازسازی قرار می‌گیرد. در معماری و ساخت این قلعه تمامی شاخصه‌هایی که در ساخت و مکانیابی قلعه‌های اسماعیلی که در مناطق دیگر ایجاد شده‌اند، به کار گرفته شده است. داده‌های سطحی نیز نشان دهنده استفاده و حیات این قلعه در دوره تاریخی و همچنین حضور آغازین اسماعیلیان تا پایان آنها و انهدام قلعه توسط مغولان است. بنابراین، در این مقاله ضمن ارائه مقدمه‌ای، به متون تاریخی و همچنین توصیف و تحلیل قلعه توس نوذر و داده‌های به‌دست آمده از آن پرداخته شده است.	تاریخ‌ها: دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷ واژگان کلیدی: تفرش استان مرکزی استقرارگاه‌های ساسانی قلعه توس نوذر حوضه رودخانه قره‌چای

* استناد: نوراللهی، علی (۱۴۰۳). قلعه توس نوذر دژی ناشناخته از اسماعیلیان در کوه خرازان شهرستان تفرش. پیام باستان‌شناسی، ۱۶ (۳۱)، ۱۱۵-۱۴۵.

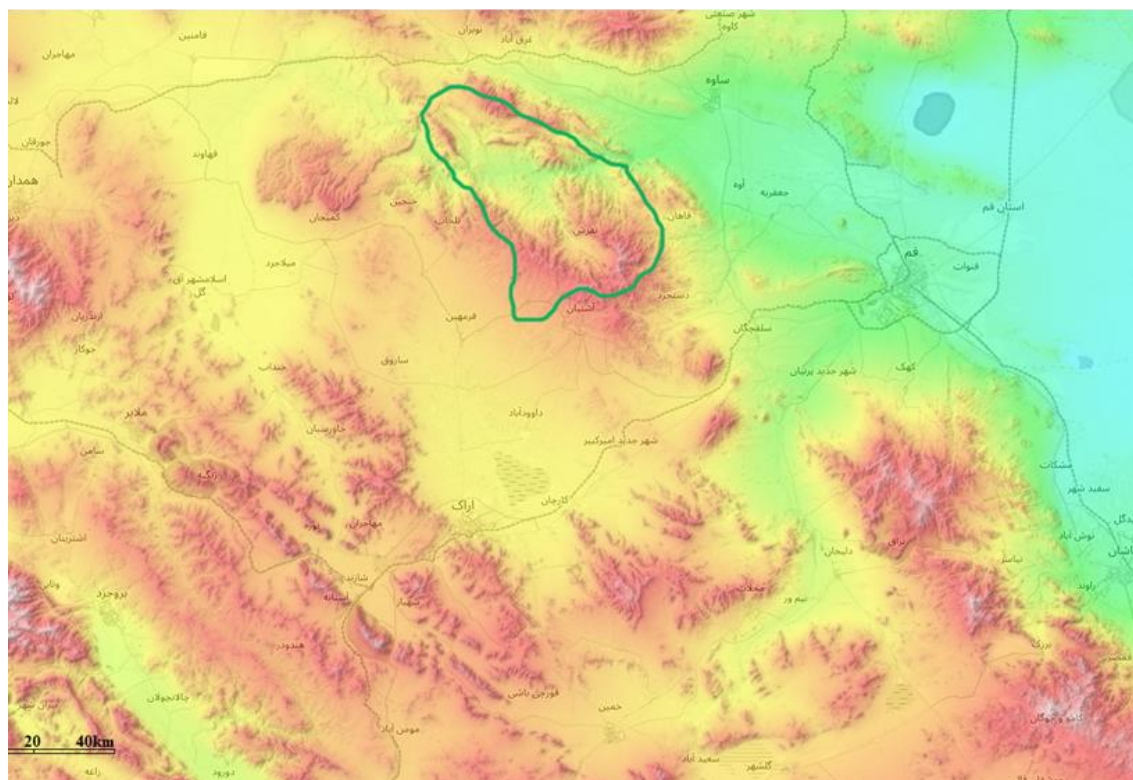
مقدمه

شهرستان تفرش جلگه‌ای کوچک است که از هر طرف با کوه‌های بلند محصور شده و در حقیقت چون دژی است مستحکم و استوار که نفوذ بدان فراز جز از مسیر گردنه‌های خانک، پنجه گیان و نقره کمر میسر نیست. از سمت شمال کوه‌های خرازان سیاه کوه کبوران و از مشرق دامنه کوه سینه آستین و سُرخان از جنوب به کوه‌های نُقره کمر و گُلاهِ از مغرب به دامنه کوه رَفسا و کوه دو برادران و کوه‌های اَمَجک و گُون محدود می‌شود در این قسمت رودخانه دائمی جریان ندارد و تنها مسیل‌هایی جاری است که منشاء رودخانه‌ها قره چای، قمرود هستند. آب و هوای شهرستان تفرش معتدل کوهستان با زمستان‌های سرد و پر برف و تابستان‌های معتدل است. به طور کلی از نظر تقسیم بندی اقلیمی، این شهرستان جزء اقلیم سرد (کوهستان‌های غربی) قرار می‌گیرد که دارای زمستان‌های طولانی و سرد و سخت بوده و چندین ماه از سال زمین پوشیده از یخ است. با توجه به وضعیت جغرافیایی شهرستان تفرش که در کنار شاهراه‌های اصلی فلات ایران قرار گرفته و ضرورت حفاظت از این راه‌ها، ساخت و ایجاد قلعه‌های متعددی را ضروری می‌ساخت در بررسی این شهرستان قلعه‌های متعددی شناسایی شد. یکی از قلعه‌ها که مهم‌ترین قلعه‌های تفرش نیز است قلعه توس نوزد است دارای آثاری از دوره اشکانی تا پایان حکومت اسماعیلیان (تا یورش مغول) است (شکل ۱-۳).

بخش‌هایی از این قلعه در ۱۳۲۷ه.ق/۱۲۸۸ه.ش توسط عبدالحسین آیتی (۱۲۴۹-۱۳۳۲) برای یافتن آثار عتیقه حفاری شده است. او در کتاب هگوی ایرانی (نخستین پرواز بشر) اشاره مختصری به آن کرده است: قلعه طوس در یک فرسنگی تفرش [واقع است]. طوس نوزد تقریباً یکصد سال بلکه اندکی کمتر بعد از کیکاوس بوده زیرا طوس سپهسالار لشکر کیخسرو و کیخسرو پسر سیاوش و سیاوش فرزند کیکاوس و سودابه بود که بعد از غیبت کیخسرو ادعای سلطنت کرد و چندی زمامدار ایران شد و قلعه در قله کوه تفرش ساخت که هنوز اطلال آن باقیست اگرچه آثاری از قبیل کاشی و غیره که در همین قرن مردم تفرش از آنجا بردند و فروختند متعلق به دوره صفویه است زیرا شاه اسمعیل آن قلعه را تعمیر و قصرش را به

کاشی‌های گرانبها مزین ساخت ولی اصل قلعه که ساخته دست طوس است هنوز آثارش یعنی ریشه و پایه ویرانش دیده می‌شود. آیتی ضمن اشاره به شترگلوها و راه‌های ارگ قلعه و سربازخانه پائین دست می‌نویسد: عده عمله وا داشتیم به حفر پایه‌ها و دور کردن توده‌های خاک... فقط دسته خنجری پیدا شد که يك من تبریز وزن داشت و از چوب سیاه و میخ‌های آهن در آن دسته طوری پوسیده و خاك شده بود ولی چوب سالم مانده بود دوم قطعه از سیم بافته که قطعاً جز بند فلاخن به چیز دیگر حدس زده نمی‌شد عمله‌ها آمدند که از زیر يك توده خاك يك عده زیاد گلوله توپ پیدا شده.... پس از شست‌وشو و دقت معلوم شد سنگ تراشیده است که در فلاخن به کار می‌رفته هر سنگ تقریباً به وزن يك کیلو بلکه اندکی بیشتر داشت (آیتی، ۱۳۲۱: ۸۰-۸۱). در واقع اولین حفاری در این قلعه در دوره قاجار برای عتیقه یابی صورت گرفته در همین چند سطر که شرح همین حفاری بوده به یافته‌های جالب توجه و همچنین غارت‌هایی که توسط مردمان محلی در پیش از خود اشاره می‌کند. ابراهیم دهگان (بی تا: ۶-۹) و وکیلی تبریزی (۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۱۴) به این قلعه اشاره‌ای داشته‌اند. به طور کلی، شهرستان تفرش مانند سایر مناطق استان مرکزی دیر مورد بررسی قرار گرفت. ولفرام کلایس آتشکده نویس و محوطه نزدیک آن (قلعه نویس) در دره برزه و مسیر راه قدیمی قاهان به توس نوزد و تفرش را در سال ۱۹۹۴ مورد بررسی قرار داد (Kleiss, 1999). در سال ۱۳۷۶ بخش علیای تفرش (شامل بخش فراهان) توسط خسرو پوربخشنده مورد بررسی قرار گرفت (پوربخشنده، ۱۳۷۶). نگارنده نیز در سال ۱۳۸۶ این شهرستان را مورد بررسی قرار داد، که حدود ۱۰۰ اثر شناسایی و تاکنون برخی از نتایج آن منتشر شده است (نوراللهی، ۱۳۸۶؛ ۱۳۹۱؛ ۱۳۹۵؛ ۱۳۹۷؛ ۱۳۹۹ الف، ب؛ ۱۴۰۱؛ ۱۴۰۳؛ نوراللهی و علی‌لو، ۱۳۹۵). در سال ۱۳۹۷ این قلعه دوباره توسط محمدحسین شهبابی مورد بررسی قرار گرفت (شهبابی، ۱۳۹۷).

در این مقاله تلاش کرده‌ام به جغرافیای تفرش، پیشینه پژوهش‌های تاریخی - باستان‌شناسی توس نوزد، جایگاه تفرش و قلعه توس نوزد در متون تاریخی و داده‌های حاصل از بررسی و تحلیل آنها از دیدگاه باستان‌شناسی و تاریخی پردازم.



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان تفرش (از نگارنده).



شکل ۲: قلعه توس نوذر در اوایل دی ماه ۱۳۸۶ (از نگارنده).

روش پژوهش

در بررسی شهرستان تفرش بیش از صد محوطه و اثر از دوره‌های مختلف شناسایی شد. در میان آنها قلعه توس نوذر به علت موقعیت ویژه و آثار معماری و داده‌های سطحی به طور اختصاصی مورد بررسی پیمایشی قرار گرفت. در بار اول بررسی به علت بارش ناگهانی برف بررسی بخش‌هایی از آن ناتمام ماند (شکل ۲). در بررسی دوباره علاوه بر نمونه‌برداری از همه بخش‌ها به بررسی پیرامون آن تا شعاع حدود یک کیلومتر اقدام شد^۱ (شکل ۴). به‌طور کلی، این پژوهش حاصل بررسی میدانی و پژوهش‌های کتابخانه‌ای یعنی بررسی متون تاریخی و مقایسه و تحلیل داده‌های باستان‌شناسی به‌دست آمده از بررسی میدانی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و در تلفیق با آنها است.

تفرش در متون تاریخی

استرابو این منطقه را جزو ماد بزرگ دانسته است (استرابو، ۱۳۸۱: ۵۰). در دوره اشکانی و ساسانی کور خوربران یا جبال که مشتمل بر بخش غربی ایران بود. اولین بخش این ناحیه به شمار می‌رفت (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۴۱-۱۴۲؛ یعقوبی، ج ۱، ۱۳۸۲: ۲۱۸-۲۱۹؛ ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۴؛ کریستینسن، ۱۳۸۵: ۱۲۲؛ مارکوارت، ۱۳۷۳: ۳۷-۳۹). به هر رو، این ناحیه در دوره اشکانی جزو ایالت کوهستان به شمار می‌رفته است. تفرش در دوره ساسانی جزء خوره قباد و در اواخر ساسانی جزو اصفهان و در قرون اولیه اسلامی از طسوج‌های قم بوده و پس از آن جزو ولایت عراق (مارکوارت، ۱۳۷۳: ۶۵-۶۶؛ حسن قمی، ۱۳۶۱: ۹۱). تفرش در ادوار تاریخی جزوی از ولایت قم از ولایات جبال بوده و ارتباطات گسترده‌ای با این ناحیه در کنار شهرهای تاریخی آوه و ساوه داشته است، این ارتباطات در متون تاریخی باقی مانده منعکس شده است. در البلدان از تفرش به نام طبرس یاد کرده و می‌نویسد ساکنان آن را قومی هستند از مذحج (عرب‌های از یمن)، اشعریان (شیعیان اهل حدیث) و عجم‌های کهن

(زرتشتیان) (یعقوبی، ۲۵۳۶: ۴۹)، حسن قمی (۳۷۸ هـ.ق) درباره تأسیس تفرش می‌نویسد: ناحیت تفرش چراگاه دواب کیخسرو بوده و همچنین نسبت بنای ده میلادگرد را به میلاد بن کرکین داده است. تمام این قصه‌ها و نظایرشان که در افواه و کتب زیاد دیده و شنیده می‌شود، به‌خوبی می‌توان درک کرد که سرزمین عراق محل عنایت و توجه کیخسرو بوده و پادشاهان قدیم به این سرزمین با دیده اهمیت می‌نگریسته‌اند. دیگر رستاق^۲ طبرش است سی و دو دیه از آن جمله طرخوران، فیم [فم امروزی]، جاویزه که مندرس گشته و ناپدید شده است و اسامی این سی و دو روستا در همان کتاب آمده (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۸۴، ۸۶، ۱۱۷). تعدادی از آنها امروزه شناخته شده نیستند. همچنین، نام بانی برخی از روستاها را آورده از جمله عوض دهقان، بیب بن جودرز، توس بن نوذر و بیب بن جودرز [گودرز] دستیار قباد بن قباد مهندس در دوره ساسانی (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۶۹-۷۰). در ادامه از روستاها و دیه‌هایی که به دستور اردشیر بابکان و ریذویه ساخته شده‌اند و همچنین از قلعه‌های که در کوهستان‌های همجوار تفرش در دوره ساسانیان و پیش از آن ساخته و بنیان نهاده شده‌اند نام می‌برد. از جمله این قلعه‌ها، قلعه استر شמוש (چموش) است که به دست بهمن بن رستم بنا شده و از قلعه‌های محکم و نفوذ ناپذیر دیگری در نواحی اطراف تفرش نام می‌برد. ضمن شرح برخی از جنگ‌هایی که در این قلعه‌ها رخ داده می‌نویسد که قلعه نشینان برای دفاع از خود از منجنیق بهره می‌برده‌اند (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۷۳).

حمدالله مستوفی درباره تفرش نوشته: تفرش ولایت است که از هر طرف که بدو روند، بگریوه (کوه) فرو باید رفت سیزده پاره دیه است فم و طرخوران از معظمتات اوست (مستوفی، ج ۱، ۱۳۶۲: ۱۲۹). این نوشته نشان دهنده اینست که ناحیه تفرش در دوره حمله مغولان از ویرانی‌های آن آسیب فراوان دیده و از ۳۲ پاره دیه پیش از حمله مغولان، در سده ۸ هـ.ق تنها ۱۳ پاره دیه همچنان باقی بوده است. بررسی‌های باستان‌شناسی نیز نشان می‌دهد که نواحی غربی شهرستان تفرش امروزی تا دوره

^۱ تهیه عکس‌های هوایی از قسمت‌هایی که بررسی آن نیاز به صخره نوردی و تجهیزات مخصوص داشت، در سال ۱۳۹۵ توسط گروه دوستداران میراث فرهنگی تفرش به نام تفرش متحد انجام گرفت.

^۲ معرب واژه روستاگ در پارسی میانه است. روستاگ در تقسیمات کشوری زمان ساسانیان به معنای دهستان بود.

قلعه توس نوذر

قلعه توس نوذر^۳ میان کوهستان‌های شمال تفرش و بر بالای برونزدی صخره‌ای در دره برف چال دهستان خرازان و در ۳ کیلومتری جنوب غربی روستای خرازان و در ۱۳ کیلومتری (به خط مستقیم حدود ۵/۵ کیلومتر) شمال شرق شهر تفرش واقع گردیده است. بلندی که قلعه توس نوذر بر آن بنا شده از صخره سیاه رنگ آتشفشانی تشکیل شده بسیار بلند و اشراف کاملی بر دره و راه ارتباطی دهستان خرازان به شهرستان تفرش دارد. دره‌ای که قلعه توس نوذر در میانه آن واقع است به علت برافراشته بودن به برف چال معروف است که در دست راست راه آسفالتی دهستان کوهستانی خرازان — که بر بنیاد راه باستانی منطقه ایجاد شده — واقع است. دسترسی به قلعه توس نوذر از راهی است که از این راه جدا می‌شود، امکان پذیر است (شکل ۴، ۲). این قلعه دارای حدود ۳۰۰ متر عرض شرقی - غربی و حدود ۶۰۰ متر طول شمالی - جنوبی و ارتفاع بلندترین نقطه آن از کف دره حدود ۸۰ متر می‌باشد. ارتفاع صخره آتشفشانی ۶۰ متر و سطحی که ارگ و دژ اصلی بر روی آن ساخته شده دارای طول ۱۳۰ متر و عرض حدود ۶۵ متر می‌باشد که تأسیسات

قاجار تقریباً خالی از سکنه بوده است (نوراللهی، ج ۱، ۱۳۸۶: ۱۱۷).

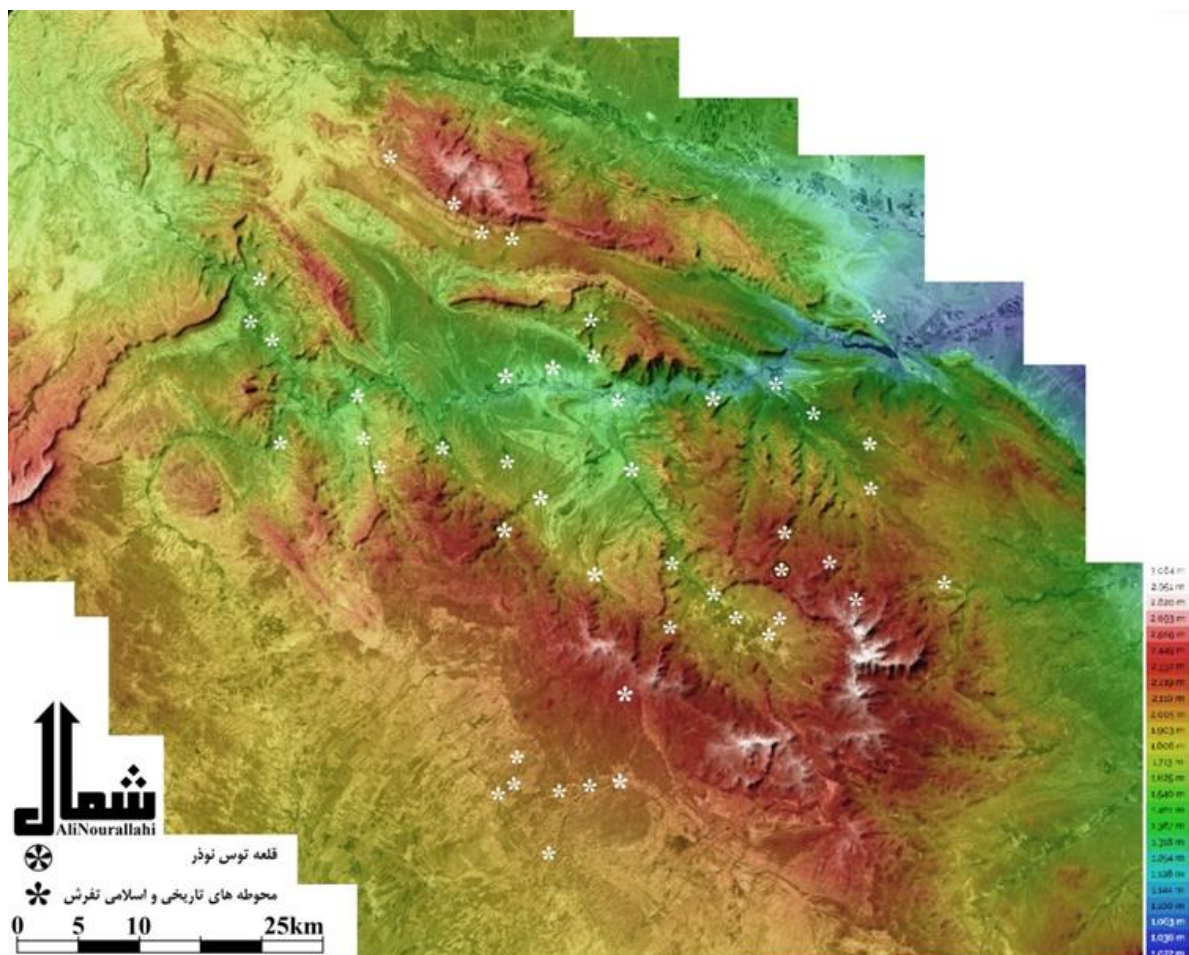
در کتاب مرات البلدان درباره تفرش آمده است که: اراضی تفرش در غیر زمستان به سبزی و خرمی موصوف و کثرت اشجار و فواکه لطیفه و باغات متنوعه آن معروف است. سابقاً قلعه جات زیاد در تفرش بوده که حالا منهدم است. بعضی و مقابر و امامزاده‌ها در نقاط مختلفه این رستاق است. از جمله در زیر کوهی که مغاره معروف [غار گاوخور] در آن است امامزاده‌ای است معروف به احمد بن موسی اما مغاره مشهور در کوه تفرش در طرفی است که به سمت آشتیان و گرکان می‌روند. از این مغاره حرف‌های غریب در افواه عوام است، از جمله حکایتی که صاحب تذکره هفت اقلیم نوشته و ما نقل نمودیم. بعضی دیگر گویند که آن گاو در حوالی همدان پیدا شده، به هر حال این حرف معقول نیست و مؤلف احتمال می‌دهد که این مغاره دخمه سلاطین یا بزرگان عجم باشد. گویند وارد مغاره که می‌شوند اطاقی است از سنگ که طول آن بیش از ده ذرع است و حوضی دارد مملو از آب و از آن اطاق راهی است به جایگاه دیگر که سقف مرتفعی دارد و آن محل روشن است. گویند این روشنی از آن است که سنگ‌های سقف تا سرکوه به ارتفاع دوسه هزار قدم مرمر است و حوض آب زلالی در آنجاست که عمق آن زیاد است و هرچه طناب انداخته‌اند به تکیه آن نرسیده در این اطاق راهی است که معلوم نیست به کجا منتهی می‌شود چند ساعت راه طی کرده‌اند و به آخر آن نرسیده‌اند بالجمله صحبت‌های مغاره به افسانه شبیه‌تر است. در نزدیکی مغاره به طرف شمال کوهی است معروف به کوه کمر نقره کوزه و بعضی آثار در آنجا دیده می‌شود که دلیل است بر وجود معدنی که در آن کار کرده‌اند از قرار تقریر ثقات در کوه‌های تفرش معادن سرب و نقره و مرمر بسیار است که در آنها کار نکرده‌اند (اعتماد السلطنه، ج ۱، ۱۳۶۷: ۷۵۵-۷۵۷). این ناحیه از هر طرف به وسیله کوه‌های بلند محصور شده و هیچ راه دسترسی مستقیمی ندارد. بنابراین، در طی دوران‌های پر آشوب قرون اولیه هجری و بعد کمتر دستخوش حوادث شده است (بنگرید به دهگان، ج ۱، بی تا: ۱۴۵). تفرش در بسیاری از زمان‌ها جزوی از ناحیه و ولایت قم به شمار می‌رفته است.

^۳ در موقعیت جغرافیایی 34°44'53.87"N و 50°2'32.51"E واقع است که ۲۲۲۷ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. در مورد وجه تسمیه قلعه توس نوذر در نوشته‌های اساطیری و تاریخی و همچنین نزد مردمان تفرش روایت‌ها و داستان‌های مختلفی وجود دارد. مردمان محلی که نگارنده با تعدادی از آنها گفتگو کرد این قلعه را متعلق به توس پسر نوذر می‌دانستند و ساخت قلعه را به وی نسبت می‌دادند. در تاریخ قم بنیان این قلعه و بسیاری از دیه‌ها و قلعه‌های این منطقه را به دوره توس پسر نوذر و بیب پسر گودرز؟ آورده است که به دستور آنها مهندسی بنام قباد پسر قباد این بناها و روستا را ساخته است (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۶۶-۷۰، ۷۹-۸۵). بر اساس نوشته حسن قمی می‌توان بنیاد و پایه گذاری این قلعه و تعدادی زیادی از آثار را به دوره اشکانی نسبت داد. داده‌های باستان‌شناسی نیز این نظر را تأیید می‌نماید (بنگرید به نوراللهی، ۱۴۰۱: ۳۵). اما قلعه‌ای دیگر متعلق به اسماعیلیان بنام نویر شاه (نوذر شاه) در نزدیک روستای گرمارود بالا بخش الموت استان قزوین وجود دارد، به گمان نام قلعه توس نوذر و نویر شاه دارای یک ریشه مشترک هستند. چنانکه برخی از قلاع اسماعیلی نیز بر آثار دوران تاریخی بنا گردیده‌اند. دیگر اینکه اسماعیلیان در تعالیم خود به ایران پیش از اسلام توجه فراوانی داشته‌اند. به گمان داستان توس پسر نوذر که در شاهنامه نیز آمده در شکل‌گیری این روایت عامیانه تفرش بی تأثیر نبوده است (فردوسی، ۱۳۷۷: هجده).

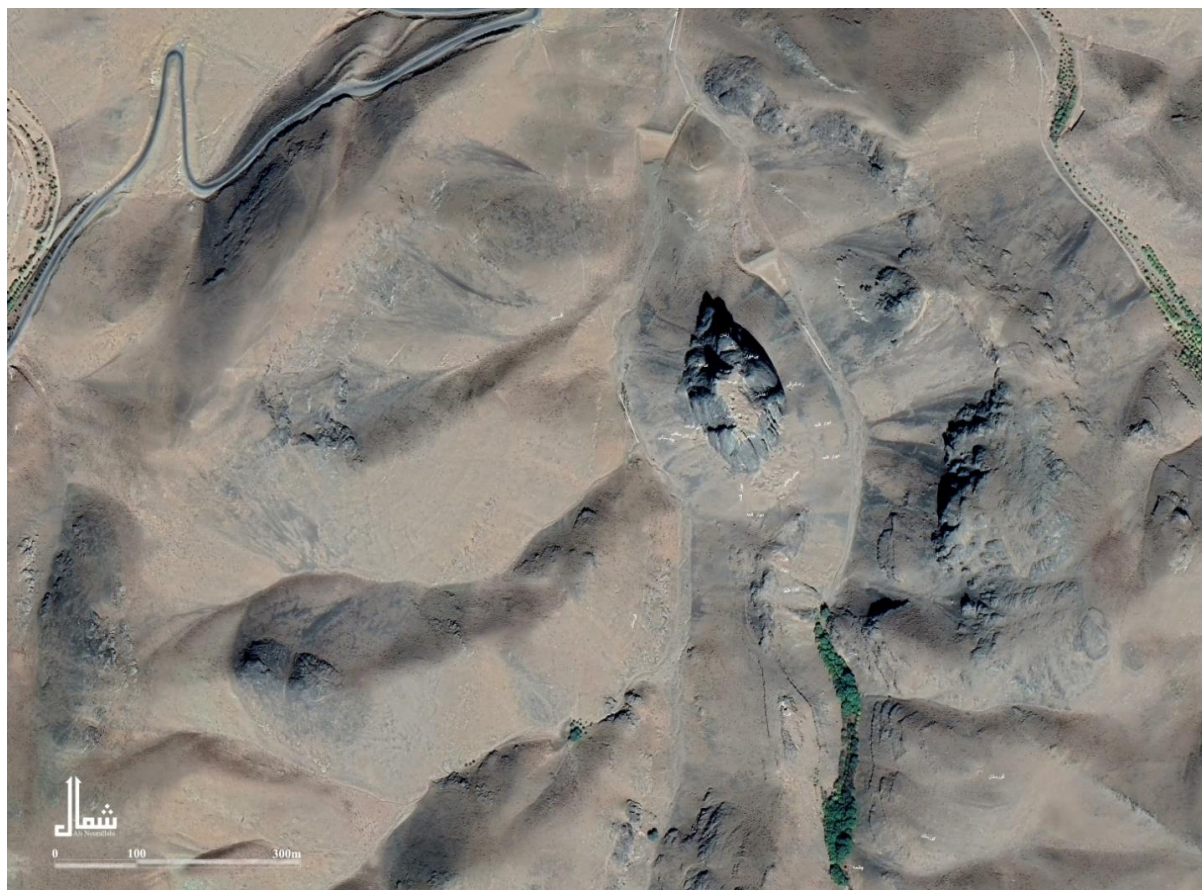
دوره‌های اسلامی (به‌ویژه در قرون میانی به وسیله اسماعیلیان) نیز مجدداً مورد استفاده واقع شده‌اند (شکل ۳). قلعه توس که با هدفی نظامی و غیر قابل نفوذ ساخته شده که دستیابی به آن تقریباً غیر ممکن است. از این قلعه امروزه تقریباً چیزی جز پی بناها و تاسیسات آن باقی نمانده و کاملاً تخریب شده است. در زمانی که هنوز سالم و قابل استفاده بوده دارای برج و بارو، انبار آذوقه، کارگاه با کوره‌های ذوب فلز، کارگاه با کوره‌های سفالگری، دالان‌های مخفی، مخزن آب و اتاق‌های متعدد بوده است (شکل ۴-۵). امروزه بالارفتن از دیواره صخره‌ای و رسیدن به قسمت‌های بالایی و ارگ قلعه به سختی امکان پذیر است و با خطراتی همراه است.

متعددی بر آن ساخته شده است. منازل و محل‌های مسکونی سربازان، صنعتگران و مردمان عادی و همچنین کارگاه‌های سفالگری و سفالپزی، فلزکاری و غیره در دامنه آن ایجاد شده‌اند (شکل ۵-۶ و ۱۸).

نمونه‌های از این قلعه‌ها که بر بلندی کوه‌ها اطراف شهرستان تفرش از جمله قاور قلعه زرجین، قلعه سلطان محمود کهلوی سفلی و قلعه‌های دیگر می‌توان نام برد که همگی این قلعه‌ها نشان دهنده اهمیت استراتژیک و نظامی فوق‌العاده این منطقه در زمان خود دارد. با توجه به مصالح این قلاع نمی‌توان آنها را به دوره اسلامی متعلق دانست بیشتر می‌توان این‌ها را در رابطه با دوره اشکانیان و دوره ساسانیان مورد مطالعه قرار داد و در



شکل ۳: موقعیت قلعه توس نوذر نسبت به قلعه‌ها و محوطه‌های تفرش (از نگارنده).



شکل ۴: چشم انداز قلعه توس نوذر و بخش‌های مرتبط با آن (از نگارنده).



شکل ۵: نمای از قلعه توس نوذر دید از شمال (آرشیو نگارنده).



شکل ۶: نمای جنوبی برونزد صخره‌ای و بخش پائین دست قلعه توس نوذر (آرشیو نگارنده).

ارگ (بخش اصلی قلعه)

داشته‌اند و در این فضاها از آجر و گچ و لاشه سنگ تراش خورده برای ساختن اتاق‌ها و فضاها استفاده شده است. در نگاه اول به علت شیب، بخش فوقانی به نظر می‌رسد که در چند سطح مختلف ساخته شده‌اند. اما این موضوع ناشی از چالشی بوده که معماران و سازندگان این بخش با آن روبرو بوده‌اند. به نظر می‌رسد اتاق‌ها و فضاها بصورت پلکانی روی هم قرار داشته‌اند و از طریق راه پله‌هایی به هم مرتبط بوده‌اند. بخش فوقانی شکل منظمی ندارد. اتاق‌های کناری و همچنین شمالی این قسمت به علت محدودیت فضایی فشرده و کوچک هستند. به همین دلیل در میان اهالی به زندان معروف است. در روی بخش‌های دیگری از صخره نیز پی فضاهایی مجزایی وجود دارد که کارکرد برج و بارو داشته‌اند و در حقیقت این فضاها برای غیر قابل نفوذ ساختن این بخش‌ها و نظارت بر اطراف بوده است. آثار دیوارهای بیرونی ارگ فوقانی امروزه به صورت داغ‌های بر روی صخره و لبه پرتگاهی آن باقی مانده است. در بخش فوقانی از مصالح لاشه‌سنگ تراش خورده منظم و گچ برای ساخت دیوارها استفاده شده است و قطر دیوارهای آن حدود ۱/۵ متر می‌باشد. به گمان این پی دیوارها بازمانده از بنای اولیه قلعه هستند با توجه به شواهد به ویژه شیوه دیوارچینی می‌توان آن را به دوره اشکانی و ساسانی نسبت داد (شکل ۷).

این بخش بر روی برون زدی صخره‌ای در میان دره برف چال به ارتفاع حدود ۶۰ متر ایجاد شده است. دلیل اصلی انتخاب و مکانیابی قلعه توس نوذر در زمان‌های مختلف شرایط طبیعی و دیواره این بخش بوده که تقریباً دارای دیواره‌ای عمود بر دامنه است و غیر چند شکاف که در صخره وجود دارد، دسترسی به بالای آن تقریباً ناممکن است. بر اساس تصاویر هوایی که از این بخش قلعه تهیه گردید. این بخش در شیب و به صورت پله کانی و مرتبط با هم ساخته شده است که ناشی از شیب بالای این صخره است که مسطح نیست و معماران ناچار بوده‌اند برای ایجاد تأسیسات این بخش قلعه با سطح بندی بناها، از شکل طبیعی آن پیروی کنند. به طوری که شیب این بخش به سمت شمال است و تأسیساتی که در جنوب این بخش قرار دارند حدود ۵ تا ۱۰ متر بالاتر از بخش شمالی آن است. تأسیسات اصلی که شامل اتاق‌هایی مستطیلی شکل به طول حدود ۶/۵ متر و عرض ۳/۵ تا ۴ متر است در فضایی به طول حدود ۸۵ متر و عرض ۳۶ متر بر بالای صخره ایجاد شده‌اند. در میان آوارهای این بخش قطعات کاشی‌های فیروزه‌ای هشت پر و کاشی‌های زرین فام و سفال شکسته‌های فراوانی (خمره‌های ذخیره) وجود دارد. به نظر می‌رسد، این فضاها از طریق راهروهایی به هم راه



شکل ۷: راه دیواره شرقی و بقایای آثار معماری ارگ (آرشیو نگارنده).

به دلیل ریزش و تلمبار شدن آوارهای فرو ریخته، پی بسیاری از فضاهای فوقانی نامشخص است. این موضوع سبب شده که نتوان در مورد کاربری این فضاها گمانه زنی کرد. به هر رو جز چند اتاق و راهرو که در اثر حفاریات غیر قانونی وضعیت آنها مشخص است بقیه فضاها با خاک‌های آواری پوشیده شده‌اند. از آنجا که قسمت فوقانی صخره یک دست و صاف نیست و در آن شکاف‌ها و بریدگی‌های وجود دارد معماران برای غیرقابل نفوذ ساختن و یکدست سازی سطح آن این قسمت‌ها را با لاشه سنگ و ملات گچ (نیمکوب) گرفته‌اند. دروازه اصلی با اتاق‌های به منظور بازرسی احاطه شده است (شکل ۹-۱۰، ۱۶).

این بخش قلعه با توجه به محدودیت فضا به گمان دارای چند طبقه بوده، که امروزه فقط بخش‌های کف و پی بناها باقی مانده است که در این کف که مستقیم بر سطح برونزدگی صخره قرار می‌گرفته آب انبار و انبارهایی در سنگ تراشیده‌اند. در واقع آب انبارها و انبارها در معرض دید نبوده و در زیر فضاهای مسکونی قرار داشته‌اند.

راه دستیابی و ورود به ارگ از دو طریق بوده است که یکی در شرق و یک ورودی دیگر در جنوب غرب صخره در شکاف‌های طبیعی برونزد صخره‌ای ایجاد شده‌اند که با پلکان‌های از لاشه سنگ و آجر و گچ ساخته شده‌اند. امروزه از این پله‌ها و پلکان‌ها آثاری جز داغ پی‌ها بر روی این شکاف‌های صخره‌ای اثری باقی نمانده است که در بالای شکاف‌ها به هشتی‌هایی منتهی می‌شده‌اند که به گمان دارای پوشش ضربی و گهواره‌ای بوده‌اند. هشتی که در بالا راه جنوب غربی به آن منتهی می‌شود فضایی است دارای ۱۵ متر طول شمالی جنوبی و ۱۲/۵ متر عرض شرقی غربی با دیوارهای به قطر ۲ متر از لاشه سنگ تراش خورده و گچ نیمکوب است. همچنین ممکن است برای مخفی ماندن ورود و خروج افراد به ارگ این رشته پله‌ها دارای پوشش بوده‌اند. در حدود ۱۰ متری دامنه صخره و روبه‌روی این راه که به قسمت فوقانی صخره منتهی می‌شود دالان مخفی سرپوشیده‌ای از آجر که بصورت ضربی کار شده وجود دارد که به گمان با این راه در ارتباط است که برای استفاده ویژه افراد خاص و در جهت حفظ امنیت آنها طراحی و اجرا شده است.



شکل ۱۰: ورودی و بقایای پله به هشتی بالایی ورودی غربی توس نوذر (شهرابی ۱۳۹۷).



شکل ۱۱: یکی از آب انبارهای ارگ توس نوذر (شهرابی ۱۳۹۷).

بخش پائین دست و دامنه ها

این بخش شامل جنوب و بخشی از شیب اطراف برونزد صخره ای است که از هر طرف به مسیل آب‌های که از دو طرف محوطه قلعه می‌گذرد منتهی می‌شود. دارای عرض حدود ۱۰۰ متر شرقی غربی و طول شمالی - جنوبی از پای برونزد صخره‌ای به سمت جنوب حدود ۶۰ متر می‌باشد. این بخش در واقع ادامه و دنباله بخش برونزد صخره‌ای است و بر دو طرف شیب که در هر سمت به مسیل منتهی می‌شود، اشراف دارند. بخش‌های زیادی از این قسمت بر اثر حفاری‌های گنجیابان تخریب شده است.

معماری فضاهای این بخش شامل اتاق‌هایی است که با لاشه‌سنگ خشکه‌چین ایجاد شده‌اند و دارای پوشش سقف گهواره‌ای از آجرهای مربعی با ملات گچ و گل بوده‌اند که در برخی از این سازه‌ها آثار آن باقی مانده است. به‌طور کلی، کمتر در ساخت فضاهای این بخش از آجر استفاده شده است. در مورد کاربری این بخش می‌توان گفت که محل اسکان سربازان، نگهبان و صنعتگران با خانواده هایشان بوده است. این فضاها و

با توجه به عکس‌های هوایی بخش فوقانی دارای ۴ آب‌انبار مستطیل شکل و در جهت شمالی - جنوبی است که در بستر صخره تراشیده شده و دیوارهای درونی آنها را با اندودی از ساروج برای جلوگیری از نشت آب پوشانده‌اند. ابعاد آنها تقریباً طول ۶ متر و عرض ۳ متر می‌باشد و دارای عمقی حدود ۳ متر می‌باشند. به گمان این آب‌انبارها دارای پوشش ضربی و گهواره‌ای بوده و آب مورد نیاز ارگ نشینان را از چند چشمه که در ارتفاعات اطراف توس نوذر هستند به وسیله تنبوشه‌های سفالی و شترگلوهایی به این آب‌انبارها منتقل و ذخیره می‌کردند یا در صورت لزوم از آب ریزش‌های جوی (برف و باران) پر می‌کردند. با توجه به وضعیت ویژه ارگ به گمان دارای آب‌انبارها و انبارهای ذخیره مواد غذایی بیشتری بوده که شناسایی آنها مستلزم کاوش‌های هدفمند باستان‌شناسی است. به نوشته ابراهیم دهگان چشمه اصلی تامین کننده آب این قلعه و اطراف آن چشمه نوخشیک در حدود ۱/۵ کیلومتری جنوب شرق آن قرار داشته است که آب را از این مسافت با تنبوشه‌های سفالی که آثار آن هنوز در محل موجود است به آب‌انبارها و چاه‌های دیگر می‌رسانده‌اند (شکل ۱۱، ۱۴).



شکل ۸: نمای بخش فوقانی ارگ و راه‌های دسترسی به آن (آرشیو نگارنده).



شکل ۹: تصویری از راهرو با دیوار سنگی در بالای برونزد صخره‌ای (شهرابی ۱۳۹۷).

به این بخش حالت پلکانی بخشیده است. به نظر می‌رسد، برخی از خانه‌ها بر هم اشرف داشته و سقف خانه پایینی حیات خانه بالایی بوده است (شکل ۱۲-۱۴). در بخش غربی پائین ارگ و روبه‌روی ورودی غربی، سازه‌ای با دیواره لاشه‌سنگی و ملات گل وجود دارد (شکل ۱۵). در این بخش توده‌های خاکستر و خاک سوخته و فضاهای درهم‌ریخته‌ای از آجرهای شکسته با آثار فراوان سفال و شیشه و غیره وجود دارد. در درون این بارو تونل و راهروهای مخفی، اصطبل، طویله و انبارها، کارگاه‌های فلزکاری، شیشه‌گری و سفالگری قرار داشته‌اند. تنبوشه‌ها و شبکه‌ای که آب را با استفاده از شترگلو به بالا و بخش مختلف ارگ می‌رسانده، از این قسمت می‌گذشته است.

خانه‌ها به صورت فشرده و در دامنه ایجاد شده‌اند به نظر می‌رسد دالان و کوچه‌هایی باریکی این فضاها را از هم مجزا کرده و بخش بندی شده است و همه این فضاها با دیواره یا بارویی از لاشه‌سنگ و ملات گل در بر گرفته شده‌اند. بنا به گفته معمرین بسیاری از این فضاها تا حدود نیم سده پیش تقریباً سالم بوده‌اند که در اثر عوامل طبیعی و حفاری‌های قاچاقچیان تخریب شده‌اند. تأسیسات مسکونی و گارگاهی و غیره بر بخش بالای شیب دامنه برونزد صخره‌ای را که به مسیل‌ها منتهی می‌شود با دیوارهای لاشه‌سنگی با ملات گل ایجاد شده‌اند. از این دیوارها امروزه بخش‌هایی زیادی مدفون در زیر آوار باقی مانده است. شیوه ساخت بناها در شیب دامنه



شکل ۱۲: نمای جنوب غربی ارگ و پائین دست قلعه، بناها و دیوارها باروی آن (آرشیو نگارنده).



شکل ۱۳: نمای کاملی از ارگ و بخش پائین دست قلعه توس نوذر (آرشیو نگارنده).



شکل ۱۴: بخشی از دیوارهای جنوبی قلعه و دره نوخشیک و چشمه بالای آن (آرشیو نگارنده).



شکل ۱۵: سازه سنگی در دامنه غربی توس نوذر (پرونده ثبتی اثر).

دالان مخفی

در دامنه غربی برونزد صخره‌ای و حدود ۱۰ متری دیواره صخره‌ای بر اثر حفاری‌های گنج یابان دهانه دالان و راهی مخفی بیرون افتاده است که حدود ۲۵ متر طول و دارای ارتفاعی حدود ۱/۵ متر است که دیواره‌های آن با لاشه‌سنگ با ملات گچ و پوشش آن با آجرهایی به ابعاد $۱۹ \times ۱۹ \times ۴$ سانتی متر با تاق ضربی اجرا شده است. به گمان این دالان با راه و ورودی غربی ارگ مرتبط است. ارگ نشینان دور از چشم انتظار به ارگ تردد می‌کرده‌اند. در داخل آن راه پله‌ای ساخته شده است (شکل ۱۶).



شکل ۱۷: تنبوشه سفالی انتقال آب قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی اثر).

بخش کارگاهی و کوره‌ها

به گمان، قلعه نشینان و ساکنان آن بسیاری از ملزومات مورد نیاز خود را در محل و همین‌جا تأمین کرده و تقریباً خودکفا بوده‌اند. به نظر می‌رسد، کارگاه‌هایی کوچک در محلی اختصاصی برای برآوردن نیاز ساکنان در بافت پائین دست قلعه وجود داشته که شناخت آنها مستلزم کاوش‌های هدفمند، دامنه دار و گسترده باستان‌شناسی است. در این کارگاه‌ها سفالگری، کاشی، شیشه‌گری، فلزکاری و آهنگری و ریخته‌گری صورت می‌گرفته است. اما در مورد کوره‌های آنها که شامل پخت سفال، آجرپزی، فراوری فلزات و غیره در بیرون و دور از فضای مسکونی و خارج از حصار اصلی قلعه ایجاد شده‌اند. در چند جای حاشیه پائین دست قلعه آثار این کوره‌ها دیده می‌شود. که در شمال و جنوب این بخش قرار دارند. نکته جالب توجه در این است که این کوره‌ها در خارج از محدوده اصلی قلعه و دور از فضاهای مسکونی و منابع آب ایجاد شده‌اند. علت مکان‌یابی این فضاها در حاشیه و دور از فضاهای مسکونی آلودگی و پسماندهای آنها بوده است که با فاصله تقریباً دور در حاشیه ایجاد شده‌اند. کوره‌های بخش جنوبی و جنوب شرقی. در بخش جنوبی آثار چند کوره شناسایی شد که از همدیگر فاصله دارند. در اطراف این مکان سرباره‌های فلزی و جوش



شکل ۱۶: دالان مخفی جنوب غرب دامنه برونزد صخره‌ای (شهرابی ۱۳۹۷).

شبکه آب و چاه آب بخش پائین دست

در بخش غربی و نزدیکی دالان مخفی چاهی وجود دارد که در بستر صخره‌ای حفر گردیده و اطراف لبه بالایی آن دیواری دایره‌ای به قطر حدود ۳ متر با آجرهای مربعی شکل به ابعاد $۲۰ \times ۲۰ \times ۴$ سانتی متر آجر چینی شده است. به گمان این چاه برای ذخیره آب مورد استفاده این ساکنان این بخش قلعه بوده، که به وسیله تنبوشه‌های سفالی از چشمه‌های بیرون از محدوده قلعه از جمله چشمه نوخشیک به این چاه‌ها منتقل می‌شده است. ممکن است چاه‌های مشابه دیگری در سایر بخش‌ها وجود داشته باشد که به مرور زمان پر شده‌اند. علاوه بر این، چاه‌ها که کارکرد ذخیره آب داشته‌اند، احتمالاً در برخی نقاط مخزن‌های آب در زمین نیز ایجاد کرده‌اند که دیواره‌های داخلی آن را با لاشه سنگ و ساروج برای ذخیره آب عایق کرده بودند. در حال حاضر در مورد شبکه انتقال آب و چگونگی انتقال آن آگاهی جز تنبوشه‌های سفالی نیست ولی با توجه به همین

دیوارها آثار استفاده از آجر به ابعادهای تقریباً مشابه و کمی اختلاف در اندازه دیده می‌شود. از این آجرها در بخش پائین‌دست و محوطه‌های مسکونی به ویژه در پوشش فضاها نیز استفاده شده است. آجرهای به‌دست آمده دارای اندازه‌های مختلف هستند که شامل آجرهایی $۲۱ \times ۲۲ - ۲۱ \times ۴ - ۵$ ؛ $۲۲ \times ۲۲ - ۲۲ \times ۴ - ۵$ ؛ $۲۳ \times ۲۳ - ۲۳ \times ۴ - ۵$ ؛ $۲۲ \times ۲۲ - ۲۲ \times ۴ - ۵$ ؛ $۲۰ \times ۲۰ - ۲۰ \times ۴ - ۵$ ؛ $۱۹/۵ \times ۱۸ - ۱۹/۵ \times ۱۸ - ۴$ سانتی‌متر می‌باشند. علاوه‌براین، برای انتقال آب به بخش فوقانی صخره و دیگر قسمت قلعه از تنبوشه‌های سفالی استفاده کرده‌اند که در کارگاه‌های سفالگر خود محل تولید و آماده شده‌اند.

کاشی‌های زرین فام و لاجوردی و فیروزه‌ای چلیپایی، مربع، چهار پر، هشت پر با نقش برجسته اسلیمی و کتیبه‌ای و ساده متعلق به قرن ۶ و ۷ ه‍.ق هستند که همزمان هست با حضور اسماعیلیان در این منطقه و مناطق همجوار از جمله در قلعه‌های الموت، گردکوه، لمبسر و غیره است و در زمره قلعه‌های آنها بوده است. از دوره بعد از اسماعیلیان و حضور صفویان (زمان شاه اسماعیل یکم ۸۹۲-۹۳۰ ه‍.ق) که بنا به نوشته عبدالحسین آیتی که قصر این قلعه را بازسازی کرده است. در بررسی باستان‌شناسی هیچ شواهدی از دوره صفویه به‌دست نیامد و همچنین در شهر تفرش چندین بنای متعلق به دوره سلجوقیان و دوره صفویه وجود دارد.

سفال، ظروف سنگی و دیگر اشیاء

در پائین دست و بالای قلعه تعدادی سفال جمع‌آوری شد که شامل لبه و بدنه ظرف هستند. این سفال‌ها شامل سفال‌های ساده دوران تاریخی، سفال‌های دوره اسلامی می‌باشند. سفال‌های دوره تاریخی دارای خمیره آجری، آجری - قرمز تیره با تزئینات فشاری، کنده موج و گیاهی و افزوده طنابی است. فرم این ظروف شامل کوزه، خمره‌های ذخیره و ظروف آشپزخانه‌ای است. علاوه‌براین، در بررسی سطحی سفال‌های زرین فام، نقاشی زیر لعاب، مینایی، نقش سیاه، دیگر انواع سفال دوره اسلامی نیز به‌دست آمد. ظروف سنگی شامل دیگچه‌های تراشیده از سنگ است که کاربرد آشپزخانه‌ای داشته‌اند و در لبه برخی از آنها سوراخی برای عبور دسته فلزی ایجاد شده است. سنگ‌های گرد طبیعی (برای منجنیق) و چند پیکان آهنی پره‌دار در بررسی این قلعه به‌دست آمده است.

کوره، توده‌های خاکستر و اثر حرارت زیاد دیده می‌شود که ناشی از فعالیت‌های طولانی مدت است. احتمالاً کوره‌ها و محل‌های دیگری برای پخت آجر و سفال نیز در اطراف وجود دارد که برای ما ناشناخته است (شکل ۴).

گورستان‌ها

شامل چندین گورستان از دوره‌های مختلف است که در بیرون از محدوده قلعه و بر دامنه و روی ارتفاعات اطراف آن ایجاد شده‌اند. با توجه شکل قرار گیری گورها و همچنین مقایسه آنها با نمونه گورهای بررسی شده از محوطه سرآبادان و دیگر گورستان‌های تاریخی شهرستان تفرش این گورستان‌ها را می‌توان با دوره‌های مختلف قلعه در ارتباط دانست که از دوره اشکانی تا اواسط دوره صفویه را در بر می‌گیرد. این گورستان‌ها در شیب و ارتفاعات جنوب شرقی، جنوب غربی، غرب خارج از محدوده قلعه ایجاد شده‌اند. در اطراف گورستان‌های جنوب شرقی و جنوب غربی سفال و آجرهای شکسته پراکنده‌ای دیده می‌شود که نشان‌دهنده تعلق آنها به دوره اسلامی می‌باشد. گورستان دیگر به گمان متعلق به دوره تاریخی می‌باشد. هرچند که گمان می‌رود در میان قبور دیگر گورستان گورهای متعلق به دوره تاریخی وجود داشته باشد در واقع تدفین دوره اسلامی درکنار گورهای دوره پیش انجام گردیده باشد (شکل ۴).

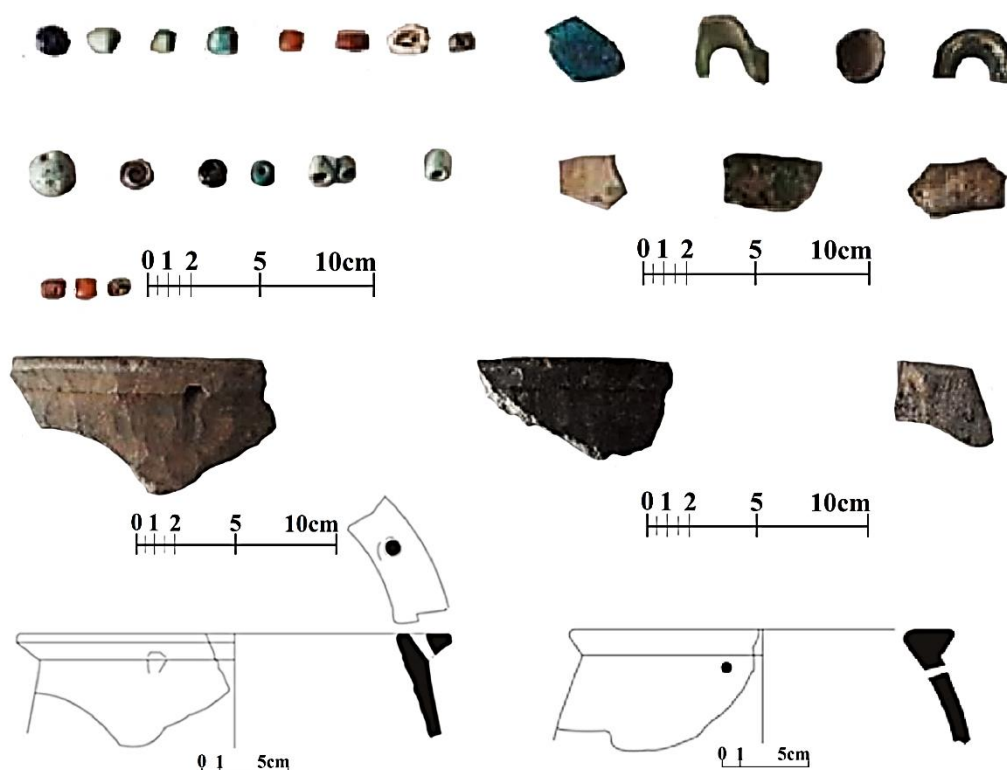
مصالح

مصالح استفاده شده در قلعه توس نودر متنوع هستند و شامل مصالح اصلی و تزئینی می‌باشند. مصالح اصلی شامل آجر، لاشه‌سنگ‌های تغییر شکل یافته، خشت، گچ و کاه گل (به عنوان ملات گچ گل و گچ، ساروج و کاهگل) است. مصالح تزئینی نیز شامل انواع کاشی‌های فیروزه‌ای هشت پر و کاشی‌های زرین فام است که برای تزئین سطوح داخلی بناهای (حمام و غیره) بخش ارگ یا بناهای فوقانی برونزد صخره‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

در بناهای ارگ پی‌ها و دیوارها از لاشه‌سنگ و ملات گچ و ساروج ساخته شده، حدود ۱/۵ متر یا کمی بیشتر خامت دارند. این دیوارها قدیمی‌ترین بخش‌های قلعه هستند. شیوه دیوارسازی و چینش این دیوارها نشان دهنده تعلق این پی‌ها به دوران اولیه قلعه یعنی دوره اشکانی و ساسانی است. بر روی این

و غیره بوده است (پرونده ثبتی اثر، ۱۳۸۷). در بررسی تعدادی مهره‌های سوراخ دار از عقیق، لاجورد، خمیر شیشه و صدف سوراخ شده به دست آمد (شکل ۱۸).

(شهرابی، ۱۳۹۷: ۱۱۹). چند قطعه ظروف شیشه‌ای جمع‌آوری شده در بخش‌های مختلف قلعه به رنگ‌های آبی، سبز، شفاف، و قهوه‌ای و تیره رنگ، متعلق به تنگ‌ها و مشربه‌ها



شکل ۱۸: مهره‌ها و شیشه شکسته‌ها و ظروف سنگی قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی ۱۳۸۷؛ شهرابی ۱۳۹۷).

تحلیل معماری

آثار معماری باقی مانده از قلعه توس نوذر نشان‌دهنده این است که این قلعه از دوره‌های اشکانیان تا اواخر دوره اسماعیلی یعنی تا حدود سال ۶۶۹ ه‍.ق/۱۲۷۰ م مورد استفاده قرار داشته است. بیشترین یافته‌های معماری قلعه متعلق به دوره پس از ساسانی تا دوره میانی (۵ تا ۷ ه‍.ق) است. آثار دوره اشکانی و ساسانی قلعه توس نوذر شامل پی‌هایی بر روی لبه‌های بروزد صخره‌ای است که با لاشه‌سنگ و ملات گچ نیمکوب و ساروج به قطر حدود ۱/۵ متر ایجاد شده‌اند. در بخش‌های پائین‌دست و دامنه بروزد صخره‌ای به علت پوشیده شدن آثار و بناها و همچنین ساخت و سازهای که پس از این دوران صورت گرفته نمی‌توان در مورد معماری افراد عادی قلعه در این دوران‌ها نظری داد.

در بررسی تفرش قلعه‌های متعددی از دوران اشکانی - ساسانی شناسایی و بررسی شد که برای ساخت دیوارها از لاشه‌سنگ و گچ نیمکوب و همچنین دیوارهای خشکه‌چین ساخته شده بودند از جمله این قلعه‌ها عبارتند گندم کوه، قلعه

سه گوش بازرجان، جلایر، بقایای بناهای فریسمانه (۲/۵ کیلومتری جنوب روستا و حاشیه جنوبی قره چای)، قلعه آهه (ابره‌در)، محوطه سرآبادان، قیز قلعه (قلعه سلطان محمود)، کهلوی سفلی، تپه کهنه دربر، قلعه خرازان، گاور قلعه جورقین، گاور قلعه زرچین، قلا کهلوی علیا، نارنج قلعه جفتان، قلعه بابالر، میل و قیز کورپه سی کوره، قلعه سس فرن قیه، آتشکده و قلعه نویس، قلعه کبوران، قلعه بیابان دارای آثار و داده‌های معماری از دوره‌های مختلف تاریخی هستند. در ساخت این قلعه از مصالح بوم آورد یعنی لاشه‌سنگ، گچ نیمکوب، آجر و خشت استفاده شده است. آثار دوره‌های بعد ساسانی در این قلعه‌ها شامل دیوارهای ساخته شده از لاشه‌سنگ با ملات گل و در مواردی گچ و گل است که بر پی و دیوارهای آثار تاریخی ساخته شده‌اند. قلعه سه گوش، نارنج قلعه به صورت محدود در پی بناها از گچ نیمکوب و لاشه‌سنگ، استفاده شده است. علاوه بر این، دارای دیوارهای خشکه‌چین هستند. به نظر می‌رسد، در این قلعه‌ها از گل

قلعه توس نور مشابهت فراوانی از هر نظر با قلعه لمبسر قزوین و قلعه گردکوه دامغان دارد و به نظر می‌رسد در این قلعه‌ها از الگوهای معماری مشابهی استفاده شده است. هرچند اختلافاتی که در آنها دیده می‌شود بیشتر به شیوه اجرا برمی‌گردد که خود ناشی از الزامات محیط طبیعی و جغرافیایی بوده که مهندسان و معماران اسماعیلی با آن روبرو بوده‌اند. به این صورت که ساخت این قلعه‌ها که دفاعی بوده‌اند دارای دیوارهای مستحکم از لاشه‌سنگ و ملات گچ بوده‌اند که دیواره‌های بخش اصلی قلعه را پوشش می‌داده و در فواصل معین با برج‌های نیم دایره‌ای جهت دفاع موثر تقویت شده‌اند. در قلعه گردکوه که بخش‌های عمده از دیوارهای دفاعی آن باقی مانده، ورودی در جانب شرقی قرار دارد که برای دسترسی و صعود به قلعه و درون باروی آن پله‌های از لاشه سنگ و ساروج و گچ ساخته و همچنین قسمت‌هایی از صخره را برای ساخت پله بریده‌اند (پرونده ثبتی گردکوه). این وضعیت نیز در قلعه توس نوذر قابل مشاهده است.

در قلعه توس نوذر انبارهای آب و چاه سنگی را که متعلق دوره‌های تاریخی بودند، را در دوره‌های بعد تعمیر و مرمت یا گسترش داده شده و به تعداد آنها با توجه به موقعیت قلعه اضافه کرده‌اند. این موضوعی بوده در قلعه‌هایی اسماعیلی اهمیت زیادی داشته است (بنگرید به ستوده، ۱۳۴۵). زیرا ممکن بود هر زمان قلعه برای مدت نامعلومی مورد یورش و محاصره قرار گیرد. در قلعه لمبسر در بستر صخره‌ای دست به ایجاد تعدادی حوض یا آب انبار زده‌اند و همچنین در قلعه گردکوه دیواره درونی انبارها و حوض‌های آب را برای غیر قابل نفوذ ساختن و همچنین جلوگیری از فاسد شدن مواد غذایی دیواره‌ای از لاشه سنگ و ساروج ایجاد کرده‌اند. این وضعیت در حوض‌های آب و انبارهای قلعه توس نوذر نیز دیده می‌شود که برای جلوگیری از هدر رفت و نشت آب از درزها و شکاف‌های ریز دیواره تراشیده شده صخره، آنها را با لایه‌ای از ساروج اندود کرده‌اند. در قلعه توس نوذر برای انتقال آب از چشمه‌های اطراف به آب انبارها از تنبوشه‌های سفالی که در خود محل ساخته شده‌اند بهره برده‌اند. در قلعه گندم کوه نیز که متعلق به دوره ساسانی است برای انتقال آب از تنبوشه‌های سفالی استفاده کرده‌اند که در میان دیوارها و با لایه‌های از ساروج پوشانده شده‌اند. این شیوه انتقال آب به قلعه‌ها و همچنین استفاده از شتر گلو با توجه به

به‌عنوان ملات نیز استفاده شده است. در قیز قلعه و و گندم کوه از تنبوشه‌های سفالی برای انتقال آب استفاده شده، هرچند به نظر می‌رسد از این شیوه در برخی دیگر از قلعه‌ها استفاده شده باشد، ولی در بررسی شواهدی از این موضوع به‌دست نیامد. تنها در قلعه توس نوذر کاشی‌های زرین فام و کاشی‌های آبی فیروزه‌ای و لاجوردی مربع و چهارپر و هشت پر که در تزئین و پوشش دیوارها بکار رفته به‌دست آمد. تنها شواهد از استفاده از آجر از قلعه خرازان و گندم کوه و پل قیز کورپه سی به‌دست آمد. این آجرها به گمان مربوط به بناهای متعلق به قرون ۵ تا ۷ ه‍.ق هستند، که این قلعه با توجه به موقعیت آن دوباره مرمت و مورد استفاده قرار می‌گیرند. قلعه توس نوذر با قیز قلعه ساوه و محوطه آوه همزمان بوده و که در فاصله میان آنها قلعه خرازان و جلایر ایجاد شده است. بنا بر شواهد و داده‌های باستان‌شناسی این قلعه‌ها در دوره اشکانی و ساسانی ایجاد شده‌اند و در دوره‌های بعد (توسط اسماعیلیان در قرون ۶ و ۷ ه‍.ق همزمان با سلجوقیان)، با توجه به اهمیت استراتژی که داشتند، دوباره مورد بازسازی و استفاده قرار می‌گیرند. این نکته جالب توجه است که بیشتر قلعه‌های اسماعیلی بر روی قلعه‌هایی از دوره اشکانی و ساسانی بنا شده‌اند. چنانچه ولفرام کلایس در سال ۱۹۷۲ قیز قلعه را بررسی کرد و آن را قلعه‌ای اسماعیلی معرفی کرد (کلایس، ۱۳۵۴: ۳۱۱) و در سال ۱۳۵۲ نیز هوشنگ عظیم‌زاده در طی بررسی منطقه ساوه این قلعه را دوباره مورد بررسی قرار داد و آن را متعلق به دوره ساسانیان دانسته است (عظیم‌زاده، ۱۳۵۲: ۶۴). در ساخت این قلعه‌ها (توس نوذر و قیز قلعه ساوه) از شیوه معماری (دیوارها، تاق‌ها و قوس‌ها) و مصالح (آجر و تنبوشه‌های سفالی و غیره) مشابه استفاده شده است. قلعه توس نوذر و قیز قلعه کهلوی یا سلطان محمود کهلوی سفلی با قلاع متعدد اسماعیلی در رشته کوه‌های البرز و مناطق همجوار در دوره اسماعیلی در ارتباط بوده‌اند (کلایس، ۱۳۵۴؛ دفتری، ۱۳۷۵: ۵۲۲).

قلعه توس نوذر با قلعه گردکوه دامغان و دیگر قلعه‌های اسماعیلی از جمله نویز شاه، لمبسر، الموت همزمان است. از نظر معماری دارای تمام شاخصه‌های معماری و قلعه سازی اسماعیلیان است. در این میان بیشترین مشابهت‌ها را با قلعه لمبسر، نویز شاه در قزوین و گردکوه دامغان دارا است. از میان قلعه‌های اسماعیلی از نظر موقعیت و همچنین شیوه معماری

گراگان (Kiani, 1982: fig. 43-44, 46, 56-59); خوره محلات (رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۳-۱۵۴); راس الخیمه در جنوب خلیج فارس (Kenet, 102, fig. 5, 39) و مشابه و قابل مقایسه سفال‌های ساسانی فاز VD تورنگ تپه (Locomate, 1987: pl. 41-43, 45, 73)، مشابه فاز VII A, B تورنگ تپه (Locomate, 1987: pl. 64-65, 70)، و مشابه دوره VII C تورنگ تپه (Locomate, 1987: pl. 76)، سفال شماره ۱۹ مشابه دوره IX تورنگ تپه (Locomate, 1987: pl. 92); سفال‌های با نقوش شانه‌ای و استامپی قابل مقایسه و مشابه سفال‌های قلعه یزدگرد (Keall & Keall, 1981: fig. 14-16, 20-28, 31)، همچنین، از نظر فرم و تزئین نقش کنده شانه‌ای مشابه و قابل مقایسه با سفال‌های ساسانی دشت خوزستان (شوشان)، (Veneke, pl. 21, 25, 34, 38, 42); همچنین پایه‌ها مشابه پایه‌های سفالی ساسانی به‌دست آمده از کاوش خوره محلات (رهبر، ۱۳۸۲) می‌باشند. سفال با نقوش سنبله گندم مشابه نمونه‌های به‌دست آمده از قلعه یزدگرد و قصر ابونصر (Keall & Keall, 1981: fig. 28; Whitcomb, 1985: fig. 44) است (شکل ۲۱ و جدول ۱). به‌طور کلی، سفال‌های قلعه توس نوذر از نظر فرم و تزئینات شباهت‌های نزدیکی با سفال‌های شمال ایران و جنوب دریای مازندران دارند (ر.ک. به Kiani, 1986; Trinkaus, 1986; Priestman, 2013). این موضوع شاید ناشی از این باشد که این منطقه بارها توسط تپورها (دیلیمان) تسخیر و مورد هجوم قرار گرفته است (حسن قمی، ۱۳۶۱: ۳۳-۳۴). تا آنجا که برخی از پژوهشگران نام تفرش را بر گرفته از نام این قوم می‌دانند (حسنی، ۱۳۸۲: ۴۸).



شکل ۱۹: سفال‌های سطحی قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی اثر ۱۳۸۷).

یافته‌های قلعه گندم کوه به دوران‌های پیش بر می‌گردد. در قلعه‌های اسماعیلی برای برطرف کردن مشکل انتقال آب نیز این شیوه را بکار گرفته و توسعه داده بودند. به‌طوری که در سایر قلعه‌های اسماعیلی از جمله گردکوه نیز برای انتقال آب به قلعه‌ها از این شیوه استفاده کرده‌اند. استفاده گسترده از منابع محلی و آشنایی دقیق از شیوه‌های مهندسی در کنار مکانیابی قلعه‌های دفاعی به اسماعیلیان امکان ایستادگی در برابر حکومت‌های وقت (سلجوقیان) و بعد مغولان به فرماندهی هولاکو را داده بود به طوری که قلعه گردکوه توانست به مدت ۱۷ سال در برابر یورش بی‌امان مغولان بایستد.

در قلعه توس نوذر برای تزئین بناها از کاشی‌های زرین فام و لاجوردی بهره برده شده که متأسفانه در اواخر قاجار و بعد آن، بیشتر این کاشی‌ها توسط اهالی برای فروش برده شده‌اند که آیتی نیز به این موضوع اشاره کرده است. به هر رو تزئیناتی که شامل کاشی‌های زرین فام و لاجوردی می‌باشد متعلق به دوره‌های میانی قرن ۶ و ۷ ه.ق بوده است.

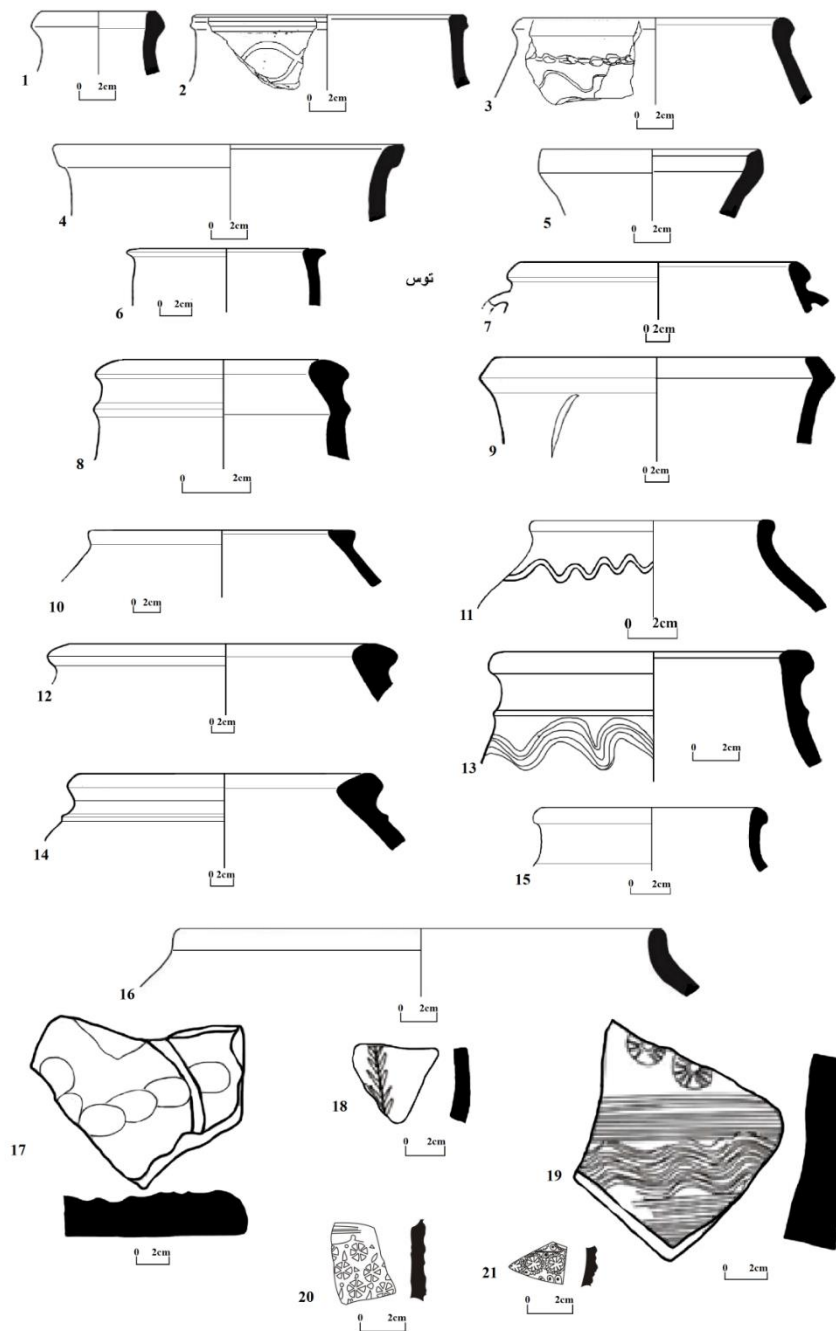
سفال‌های اشکانی - ساسانی

سفال‌های اشکانی - ساسانی به‌دست آمده از قلعه توس نوذر به آسانی از هم قابل شناسایی نیستند. این موضوع نشان دهنده تداوم سنت و شیوه‌های سفالگری است. سفال‌ها از نظر فرم شامل کوزه و سبو، پارچ و کاسه، تنگ، خمره‌ها می‌باشند. در مجموع، به سه گونه نقوش (با نقوش کنده شانه‌ای، شانه‌ای موج و غیره، مهرزده، طنابی و در مواردی نقوشی خوشه گندم و نقوش فشاری با سرانگشت بر روی سفال‌ها با الهام از طبیعت است. بیشتر این سفال‌ها دارای لعاب گلی رقیق هستند. خمیره سفال‌ها نخودی تا آجری را در بر می‌گیرد که دارای آمیزه ماسه نرم و شن که حرارت برای پخت آنها کافی بوده است (شکل ۲۰ و جدول ۱).

در مجموع، سفال‌های قلعه توس نوذر مشابه و قابل مقایسه با سفال‌های قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: fig. 18, 20-21, 40, 44-45 Trinkaus, Ricardi, fig. 88-89, 91); دشت دامغان (Trinkaus, 1981: 330); سفال‌های ساسانی قلعه قبرستان، قلعه قارنیارق، قلعه پل گنبد، قلعه آلتین توخماق، قلعه بی‌بی شیروان، قلعه خرابه گرگان، سفال‌های ساسانی دیوار دفاعی



شکل شماره ۲۰: سفال‌های سطحی قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی اثر ۱۳۸۷).



شکل ۲۱: طرح سفال‌های دوران تاریخی قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی اثر).

جدول ۱: توصیف و گاهنگاری سفال‌های دوران تاریخی قلعه توس نوذر (از نگارنده).

ردیف	نام	توضیحات	دوره
۱	قلعه توس نوذر	لبه/نخودی/شن/چرخساز/حرارت کافی/متوسط(آشپزخانه ای)	ساسانی
۲	قلعه توس نوذر	لبه/نخودی/شن/حرارت کافی/منقوش نقش کنده/چرخساز/متوسط	اشکانی - ساسانی
۳	قلعه توس نوذر	لبه/قرمز آجری/شن/حرارت کافی/منقوش نقش کنده موج/برجسته طنابی/چرخساز/خشن	اشکانی - ساسانی
۴	قلعه توس نوذر	لبه/قرمز آجری/شن/حرارت کافی/چرخساز/خشن	اشکانی - ساسانی
۵	قلعه توس نوذر	لبه/خاکستری تیره/شن/حرارت کافی/متوسط(آشپزخانه ای)	ساسانی
۶	قلعه توس نوذر	لبه/نخودی/ماسه/چرخساز/خشن/متوسط	اشکانی - ساسانی
۷	قلعه توس نوذر	لبه/دسته/نخودی/شن/چرخساز/حرارت کافی/خشن	اشکانی - ساسانی
۸	قلعه توس نوذر	لبه/بدنه/نخودی/شن/چرخساز/حرارت کافی/خشن	ساسانی
۹	قلعه توس نوذر	لبه/بدنه/نخودی/ماسه/چرخساز/نقش کنده/حرارت کافی/متوسط	ساسانی
۱۰	قلعه توس نوذر	لبه/نخودی/ماسه/چرخساز/حرارت کافی/متوسط	اشکانی - ساسانی
۱۱	قلعه توس نوذر	لبه/بدنه/نخودی/ماسه/چرخساز/حرارت کافی/منقوش نقش کنده موج/متوسط	اشکانی - ساسانی
۱۲	قلعه توس نوذر	لبه/بدنه/نخودی/ماسه/چرخساز/حرارت کافی/خشن(خمیره ذخیره)	اشکانی - ساسانی
۱۳	قلعه توس نوذر	لبه/بدنه/نخودی/شن/چرخساز/حرارت کافی/منقوش نقش کنده شانه ای/خشن	ساسانی
۱۴	قلعه توس نوذر	لبه/بدنه/نخودی/شن/چرخساز/حرارت کافی/منقوش نقش برجسته طنابی/خشن(خمیره ذخیره)	ساسانی
۱۵	قلعه توس نوذر	لبه/نخودی/ماسه/چرخساز/حرارت کافی/متوسط	ساسانی
۱۶	قلعه توس نوذر	لبه/نخودی/ماسه با دانه های آهکی/حرارت کافی/چرخساز/خشن.	ساسانی
۱۷	قلعه توس نوذر	بدنه/نخودی/ماسه/شن/چرخساز/حرارت کافی/منقوش نقش فشار انگشت/خشن	ساسانی
۱۸	قلعه توس نوذر	بدنه/نخودی/ماسه/چرخساز/حرارت کافی/منقوش نقش خوشه گندم/چرخساز/متوسط.	ساسانی
۱۹	قلعه توس نوذر	بدنه/نخودی/ماسه/چرخساز/حرارت کافی/منقوش نقش کنده شانه ای/استامپی/متوسط	ساسانی
۲۰	قلعه توس نوذر	بدنه/کرم/ماسه/قالبی/حرارت کافی/منقوش نقش برجسته قالبی/ظریف.	ساسانی - اسلامی
۲۱	قلعه توس نوذر	بدنه/کرم/ماسه نرم/قالبی/حرارت کافی/منقوش نقش برجسته قالبی/ظریف.	ساسانی - اسلامی

سفال‌های پسا ساسانی و اسلامی

سفال‌های این دوره به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند که هر کدام شامل چندین زیر گروه است. دسته نخست: شامل سفال‌های بدون لعاب با نقوش قالبی و استامپی، لعاب‌دار و سفال‌های ساده است.

سفال‌های بدون لعاب با نقوش قالبی و استامپی: این گروه از سفال‌های قلعه توس نوزد دارای نقوش هندسی، گیاهی و کتیبه هستند که برخی از این نمونه متعلق به دوره ساسانی هستند (شکل ۲۲). سفالگری دوران اسلامی در سه سده نخست، ادامه هنر سفالگری دوره ساسانی است. شواهد نشان می‌دهد سفالگران صدر اسلام دو دسته سفال بدون لعاب و لعاب‌دار را تولید می‌کرده‌اند. سفال بدون لعاب به چند روش تزئین می‌شده است و یکی از روش‌ها، ایجاد نقش با استفاده از قالب بوده است. تزئین قالب زده را روی سفال‌های بدون لعاب کوچک‌تر، به ویژه در ظروفی می‌توان دید که بدنه آنها کاملاً کروی نیست و گاه به تقلید از ظروف به صورت چند وجهی ساخته شده‌اند (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۵۸).

استفاده از قالب برای ساخت سفالینه‌های کاربردی، در دوره‌های تاریخی گسترش یافت، به طوری که پاره‌ای از ظروف لعاب‌دار دوره اشکانی، داخل قالب‌های کنده‌کاری شده، فشرده و شکل می‌گرفت (وولف، ۱۳۷۲: ۱۲۷)؛ دسته‌ای از سفال‌های بدون لعاب ساسانی نیز قالب زده بودند (ذکاء و سمسار، ۱۳۵۷: ۱۴). قبل از دوره سلجوقی تزئینات سفال‌های بدون لعاب اغلب نقوش افزوده، کنده یا استامپی بود که میراثی از دوره اشکانی و ساسانی به شمار می‌رفت (دژمخوی، ۱۳۸۶: ۲۷). شیوه به کار بردن قالب در ادوار مختلف یکسان نبوده است مکان و نوع نقش نیز تغییر کرده است. برای مثال گاهی قالب برای تهیه نقش معینی به کار برده می‌شد که اغلب برای احیای خاطرات و فرهنگ دوران ساسانی، نقش اصلی در میان ترنج‌های مجزا از هم جای گرفته و نقوشی تاریخی مانند مجالس معاهده سلطنتی و شکار را نشان داده است (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۴۷۰).

در دوره سلجوقی با وجود استفاده از نقوش قبلی، نقوش قالب زده به عنوان رایج‌ترین شیوه تزئین سفال‌های بدون لعاب مطرح و در میان سفال‌های بدون لعاب دوران اسلامی، به عنوان پرکارترین نقش ظاهر گردید. در تزئین قالب زده، ابتدا قالب

چوبی، سنگی یا سفالی به طور جداگانه آماده و نقوش به صورت منفی و مثبت روی آن اجرا می‌شود، سپس این قالب‌ها را به سطح ظرفی که هنوز مرطوب است، چسبانده و از داخل، ظرف را به روی نقوش قالب چسبانده و فشار می‌دهند، تا نقوش روی آن منعکس شود. این تزئین از اوایل اسلام تا دوره ایلخانی مرسوم بوده، ولی اوج ترقی آن به دوره سلجوقی برمی‌گردد (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۱).

تزئینات و نقوش این سفالینه‌ها به نظر می‌رسد برگرفته از پیش نمونه‌های تزئینات ظروف فلزی، مفرغی و نقره‌ای هم زمان دوره سلجوقی است. تزئین کوزه و آبخوری و خمره‌های کوچک اغلب به وسیله قالب انجام می‌گرفت و روش قدیمی‌تر آن تزئین با مهر به طریق فشرده و با استامپ بوده است. تزئینات این ظروف سفالی بدون لعاب عبارتند از اشکال پرندگان، جانوران و طرح‌های گیاهی و کتیبه‌ها و نقوش هندسی و انسانی. طی دوره سلجوقی تولید سفالینه‌های قالب‌زده از رونق بسیاری برخوردار بوده و در مراکز متعددی تولید شده‌اند که براساس کاوش‌های انجام شده مراکز اصلی ساخت این نوع سفال استخر، نیشابور، ری و ساوه، شوش بوده است. ظروف قالب خورده‌ای به دست آمده که به نمونه‌ها و ترکیبات ترنج و مروارید و گلبرگ‌های زمان ساسانی شباهت بسیار زیادی دارد. تصاویر مرغ وحشی و نوشته‌های برجسته ساده کوفی ابتدای دوران اسلامی نیز متداول بوده است (بهرامی، ۱۳۲۷: ۴۵؛ کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶: ۴۶۹-۴۷۰؛ Watson, 2004: 139-154). سفال‌های قالب زده و استامپی در آوه (بازدید نگارنده)، نیشابور (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶؛ Wilkinson, 1973)، ری، ذلف‌آباد فراهان (شراهی، ۱۳۸۹)، شوش (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶)، قصر ابونصر (Whitcomb, 1985) شناسایی شده است.

سفال‌های ساده: دارای خمیره نخودی‌اند شامل تنبوشه‌های سفالی، خمره و ظروفی هستند که کاربرد روزمره داشته‌اند. این گونه سفال‌ها در خود محل ساخته شده‌اند.

سفال‌های لعاب‌دار: این دسته از سفال‌ها دارای نقوش تزئینی برجسته اسلیمی و کتیبه‌دار هستند. خمیره این سفال‌ها از طیفی از کرم مایل به زرد تا نخود را در بر می‌گیرد. دسته دوم: شامل سفال لعاب‌دار است که سفال‌های لعاب‌دار قلعه توس نوزد را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به سه گروه مختلف: تک

رنگ، نقاشی زیر لعاب و نقاشی روی لعاب، دسته‌بندی کرد (شکل ۲۳-۲۴ و جدول ۲) که در ادامه به آنها می‌پردازم:

سفال تک رنگ: خمیره این سفال‌ها شامل رُسی نخودی مایل به قرمز و کائولن است. لعاب‌های استفاده شده در این سفال‌ها طیفی از رنگ‌های فیروزه‌ای روشن تا تیره، لاجوردی به کار رفته است. بیشتر این سفال‌ها ساده بدون نقش بوده، اما در میان آنها تزئینات مختلف زیر لعاب به کار رفته که شامل این موارد است: نقش کنده هندسی یا اسلیمی، تراش قاشقی، تراش موجی یا افقی، افزوده و قالبی. این گروه شامل سفال‌های تک رنگ، قالب زده زیر لعاب، اسگرافیاتو یا نقش کنده زیر لعاب.

سفال‌های نقاشی زیر لعاب: سفال‌های این گروه از لحاظ نوع تزئین متنوع‌ترین سفال‌های این دسته می‌باشند. بیشتر این سفال‌ها خمیره سفید شبه چینی داشته اما تعدادی نیز با خمیره گل نخودی مایل به قرمز نیز وجود دارد. فرم این سفال‌ها در اشکال مختلف دهانه باز مانند: کاسه و دهانه بسته مانند: بطری، سبو و تُنگ است. شامل سفال‌های آبی و سفید می‌باشد.

سفال قلم سیاه یا سایه نما: این دسته سفال‌ها جزء دسته نقاشی یا نقاشی زیر لعاب قرار می‌گیرند. در سده ششم ه‍.ق با به کارگیری خمیر سنگی متشکل از مواد مختلفی چون پودر کوارتز و خاک نرم و پتاس زمینه‌ای سفید برای تزئینات و طیف وسیعی از نقش مایه‌ها فراهم شد (Watson, 2004: 303). در آغاز نقش ظروف سایه نما در شکل و نوع تزئینات رابطه نزدیکی با زرین فام‌های درشت نقش دوره سلجوقی دارد که در سه دهه قبل از سده دوازدهم م/ششم ه‍.ق در کاشان تولید می‌شده است (Watson, 2004: 325).

تزئینات این گونه سفالی ابتدا بر روی بدنه‌های از خمیره سنگی یا کائولنی که با یک لعاب مشکی خمیری پوشانده شده بود به روش حکاکی صورت می‌گرفته، به این صورت نقش مورد نظر را می‌تراشیدند و سپس آن را با لعاب می‌پوشاندند که بعد از پخت به رنگ فیروزه‌ای در می‌آمد. این نقوش شامل نقوش حیوانی، انسانی، گیاهی و غیره می‌شد. از این گونه سفال در قلعه خرازان، تپه قلا کهلوی علیا، تپه ابره در، قلعه عمر کندج، قلعه سلطان محمود یا قیز قلائی و در برخی محوطه‌های دیگر بخش مرکزی تفرش به دست آمد (نوراللهی، ۱۳۸۶: ۵۹-۶۵، ۷۹-۷۴).

نقاشی روری لعاب: سفال‌های این گروه صرفاً شامل دو گروه زرین فام تکرنگ و مینایی است که خمیره سفید کائولنی دارند. خمیر ظروف زرین فام از دو نوع خاک رس و خاک سفید یا کائولین بوده و معمولاً برای ظروف دارای تزئینات زیاد از خاک سفید استفاده شده است. غالب خمیره سفال‌های موجود در این محوطه به رنگ نخودی است.

زرین فام: سفال‌های زرین فام شناسایی شده شامل چند تکه از یک ظرف پایه دار با قطعاتی از بدنه است. شیوه آن ترسیم و نقاشی نقوش زرین فام بر روی زمینه سفید است. نقشمایه آن شامل زنی است با چشمان کشیده و دماغ و دهان کوچک و صورت گرد با دستار یا تاجی بر سر که بخشی از موهایش را بر روی سینه انداخته و بخش دیگر بر پشت آن قرار گرفته است. با خطوط اسلیمی قاب گیری شده و لباس‌های وی با نقطه‌های به احتمال گل‌های ریز نقش شده، که یادآور پارچه‌های ابریشمی است. از گونه زرین فام با سبک درشت نقش است (واتسون، ۱۳۹۷: ۵۴-۵۳). اوج دوران هنری سفال زرین فام در قرون میانی اسلامی است که در این دوران مراکز عمده سفالگری از جمله ری، کاشان، جرجان، ساوه و تخت سلیمان با ویژگی‌های جغرافیایی و منطقه ای خاص خود به تولید سفال می‌پردازند (توحیدی، ۱۳۸۲: ۲۷۴).

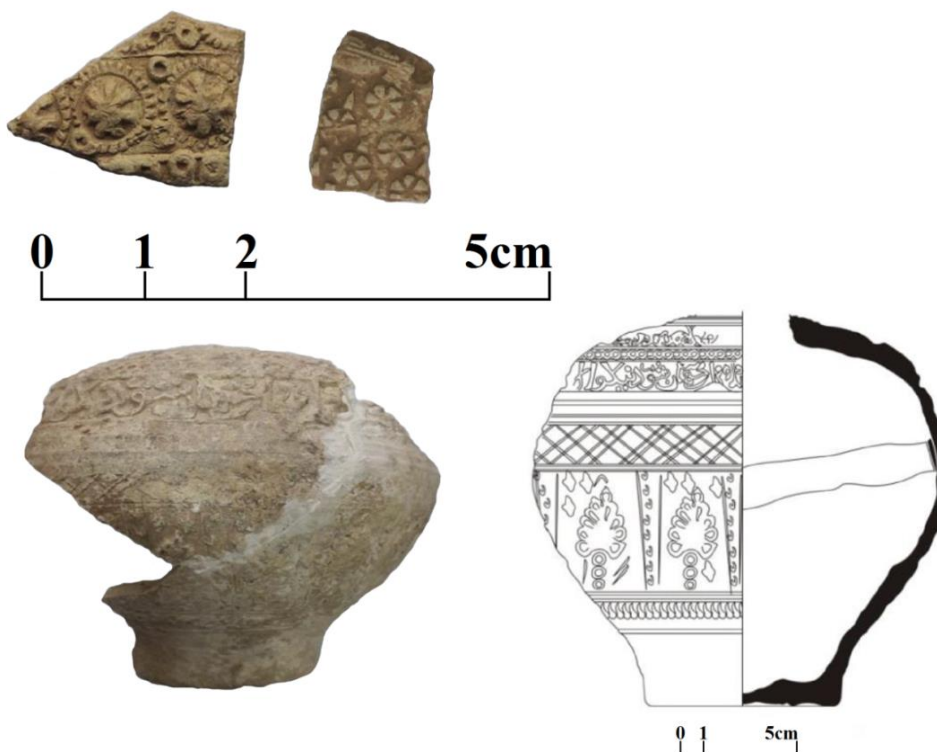
علی‌رغم پژوهش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های شناخته شده اسلامی هنوز مرکز و منشأ اصلی ساخت این‌گونه ظروف به درستی مشخص نیست. بوتلر و مارتین، مراکز اولیه ساخت ظروف طلایی را مصر می‌دانند. پوپ معتقد است که مرکز و منشأ اولیه ظروف زرین فام از ایران آغاز شده و احتمالاً شروع آن از شهر معروف اسلامی ری بوده است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۴۴). این سفال‌ها از لحاظ ویژگی‌های تزئینی در گروه سوم از طبقه‌بندی دهگانه زرین فام های فلات ایران قرار می‌گیرند که تاریخ ۵۴۴ تا ۵۷۰ ه‍.ق برای آنها پیشنهاد شده است (Mason, 1997: 113, 116). مشابه این سفال‌ها از لحاظ نقش و ویژگی‌های ساخت و پرداخت عموماً در اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ ه‍.ق تولید شده‌اند. این سفال‌ها کاملاً مشابه برخی نمونه‌های آوه می‌باشند که گمان می‌رود در خود شهر آوه تولید شده باشند (لشکری، ۱۳۹۷: ۱۲۱-۱۲۰). همچنین، مشابه کاسه‌های زرین فام گرگان می‌باشند (Bahrami, 1988). در سایر قلاع اسماعیلی از جمله الموت

دست ساخته‌های هنری چین از راه دریا و خشکی به سرزمین‌های اسلامی چون ایران و عراق و مصر صادر گردید. از طرف دیگر وجود هنرمندان چینی در دربار عباسیان باعث شد تا ذوق تلطیف یافته هنرمندان اسلامی و چینی در این زمینه نزدیکتر شده و در صنایع گوناگون، بویژه سفالگری در سرزمین‌های اسلامی نوآوری‌هایی پدیدآید. در این زمان، خاندان حاکم بر سرزمین چین، سلسله‌ی تانگ بود و ساخت نوعی سفالینه که همان شیوه‌ترین با لعاب پاشیده است در چین متداول بوده و در اثر توسعه تجارت به کشورهای اسلامی صادر می‌شده است (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۲۱). ورود لعاب پاشیده به ایران باعث ایجاد رغبت به این تکنیک در بین هنرمندان و صاحبان ثروت شده و بدین ترتیب این شیوه به مرور در مناطق مختلفی از ایران، بخصوص مناطق شمال شرقی و شهرهایی مانند نیشابور و مناطقی که در مسیر راه تجاری ابریشم قرار داشتند، رایج شد. از این نوع سفال در قلعه خرازان در ۳ کیلومتری شمال غرب قلعه توس نوزر و برخی دیگر محوطه‌های بخش مرکزی تفرش به دست آمد.

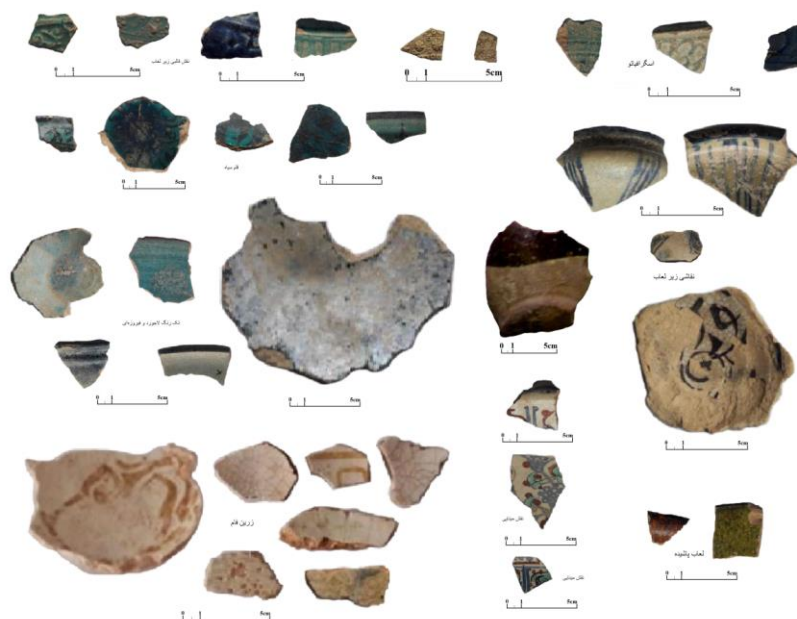
(Wilson, 1963: 321)، گردکوه نیز سفال‌های زرین فام درشت نقش و زرین فام کتیبه دار به دست آمده است (پرونده ثبتی گردکوه).

سفال مینایی: سه قطعه سفال شکسته چند رنگ مینایی در بررسی قلعه توس نوزر به دست آمد. که دارای ترین گیاهی و کتیبه‌ای بر زمینه سفیدند. مینا در فارسی میانه به معنای مَنوُک (امور معنوی و آسمانی) در مقابل گیتِگ (امور مادی و زمینی) و در مفهوم زمرد است. دهخدا، واژه مینایی را منسوب به مینا و کنایه از لاجوردی یا سبزگون دانسته است (دهخدا، ۱۳۴۵: ۲۲۰۱۱). پژوهش‌های صورت گرفته، سفال مینایی صرفاً در بازه زمانی ۵۷۵-۶۱۶ ه.ق مرکز تولیدی شناخته شده آن شهر کاشان است (ویلسون، ۱۳۸۷: ۴۳; Watson, 2004: 364; Mason, 1997: 117).

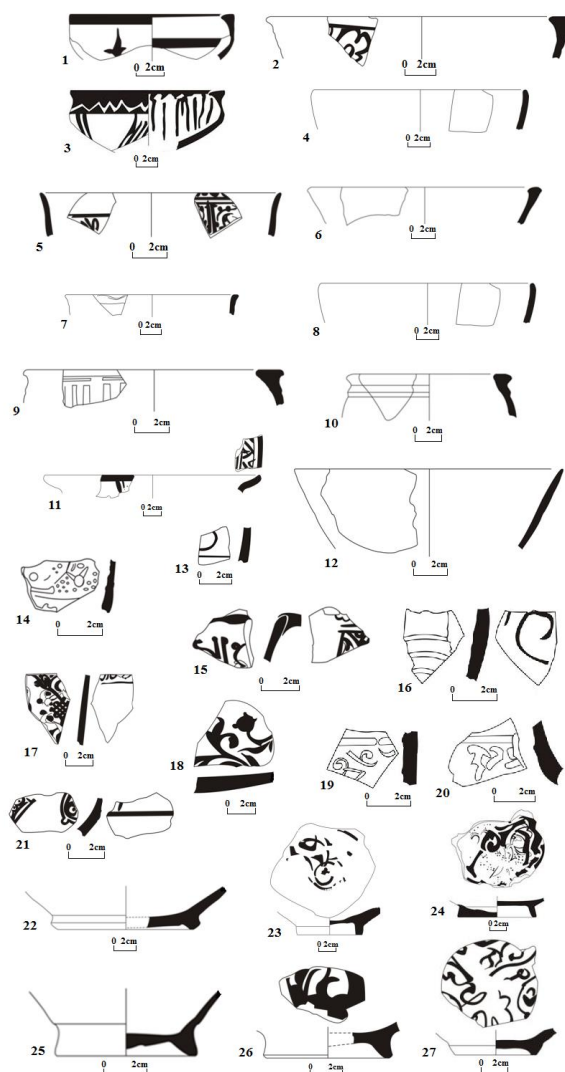
لعاب پاشیده: این شیوه در اوایل دوران حکومت سامانیان و به واسطه هنرمندان چینی و محصولات وارداتی آن امپراطوری، به ایران وارد شد، در قرن دوم هجری، همزمان با حکومت عباسیان ارتباط ایران با کشور چین گسترش یافته، بسیاری از



شکل ۲۲: سفال‌های با نقش استامپی و قالبی بدون لعاب قلعه توس نوزر (پرونده ثبتی اثر).



شکل ۲۳: سفال‌های لعاب‌دار قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی اثر).



شکل ۲۴: طرح سفال‌های اسلامی قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی اثر).

جدول ۲: شرح و توصیف سفال‌های اسلامی توس نودر (از نگارنده).

ردیف	نام محوطه	توضیحات (گونه)	دوره
۱	قلعه توس نودر	سایه نما (سیاه قلم)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۲	قلعه توس نودر	نقش کننده زیر لعاب (اسگرافیاتو)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۳	قلعه توس نودر	نقاشی زیر لعاب (آبی و سفید)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۴	قلعه توس نودر	لعاب دار تک‌رنگ لاجوردی، رسی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۵	قلعه توس نودر	مینایی، کائولن	۵۷۵-۶۱۶ ه‍.ق
۶	قلعه توس نودر	لعاب دار تک‌رنگ فیروزه‌ای، رسی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۷	قلعه توس نودر	لعاب دار تک‌رنگ لاجوردی، رسی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۸	قلعه توس نودر	لعاب دار تک‌رنگ فیروزه‌ای، رسی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۹	قلعه توس نودر	نقش قالبی (زیر لعاب)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۱۰	قلعه توس نودر	لعاب دار تک‌رنگ لاجوردی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۱۱	قلعه توس نودر	سایه نما (سیاه قلم)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۱۲	قلعه توس نودر	لعاب دار تک‌رنگ فیروزه‌ای، رسی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۱۳	قلعه توس نودر	نقش کننده زیر لعاب (اسگرافیاتو)، رسی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۱۴	قلعه توس نودر	نقش قالبی زیر لعاب، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۱۵	قلعه توس نودر	مینایی، کائولن	۵۷۵-۶۱۶ ه‍.ق
۱۶	قلعه توس نودر	نقش کننده زیر لعاب (اسگرافیاتو)، رسی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۱۷	قلعه توس نودر	مینایی، کائولن	۵۷۵-۶۱۶ ه‍.ق
۱۸	قلعه توس نودر	سایه نما (سیاه قلم)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۱۹	قلعه توس نودر	نقش قالبی زیر لعاب، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۲۰	قلعه توس نودر	نقش قالبی زیر لعاب، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۲۱	قلعه توس نودر	نقاشی زیر لعاب (آبی و سفید)	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۲۲	قلعه توس نودر	لعاب پاشیده، رسی	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق
۲۳	قلعه توس نودر	نقاشی زیر لعاب (آبی و سفید)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه‍.ق

۲۴	قلعه توس نوذر	زرین فام تک رنگ (با نقش انسانی زن)، کائولن	اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ ه.ق
۲۵	قلعه توس نوذر	لعاب دار تک رنگ لاجوردی، رسی	قرن ۶ و ۷ ه.ق
۲۶	قلعه توس نوذر	سایه نما (سیاه قلم)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه.ق
۲۷	قلعه توس نوذر	سایه نما (سیاه قلم)، کائولن	قرن ۶ و ۷ ه.ق

کاشی‌ها

در بررسی قلعه توس هفت قطعه کاشی زرین فام که به علت تخریب شدید شکسته شده‌اند که دارای زمینه سفید قلعی مات هستند و نقش آنها هندسی و گیاهی و جانوری (؟) است که سابیده شده و لعاب آنها دارای ترک خوردگی است و کیفیت بالایی ندارند و ۲۱ قطعه کاشی لاجوردی و فیروزه تک رنگ چلیپایی، مربعی و هشت گوش که این نوع کاشی‌ها به خشتی کوکبی موسومند که برخی از آنها نقش برجسته کتیبه‌ای داشتند به دست آمد. به گمان که این دو نوع کاشی برای تزئین بخش‌های داخلی بنا یا بناها در قلعه توس نوذر به صورت ترکیبی به کار برده شده‌اند (شکل ۲۵-۲۶).

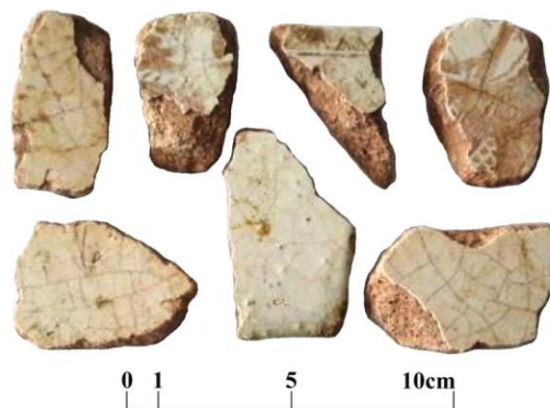
کاشی‌های زرین فام: یکی از انواع کاشی‌های تزیینی بناها در دوره اسلامی کاشی طلایی یا زرین فام است. این نوع کاشی در شکل‌ها و اندازه‌های مختلف ساخته می‌شده است که عبارت‌اند از ستاره هشت پر به اندازه‌های مختلف، ستاره شش پر، صلیبی چهار گوشه هشت ضلعی گاهی، نیز شکل آن به مقتضای مناسب معین اختیار می‌شود (قوچانی، ۱۳۷۱: پیشگفتار). قدیمی‌ترین کاشی زرین فام تاریخ دار که قبلاً شناسایی شده است متعلق به سال ۶۰۰ ه.ق است. این کاشی به شکل ستاره هشت پر است و در موزه عربی قاهره نگهداری می‌شود. قوچانی به یک کاشی دیگر با همین تاریخ اشاره کرده می‌نویسد: نگارنده موفق به شناسایی یک کاشی به شکل ستاره شش پر شد که نیز دارای تاریخ ۶۰۰ ه.ق است. حاشیه این کاشی علاوه بر تاریخ مذکور با یک رباعی فارسی و یک بیت شعر عربی تزیین شده است. تاریخ ساخت این کاشی چنین است: «فی ذی القعدة ستمایة» و در ادامه کاشی کتیبه داری در موزه برلین شرقی (موزه اسلامی برلین) را معرفی کرده و

می‌نویسد: اخیراً نگارنده در حین بازدید از موزه اسلامی برلین شرقی متوجه کهنسال‌ترین کاشی شناخته شده زرین فام ایران در جهان شده است. این کاشی شکل ۷۱ سال کهن‌سال‌تر از دو کاشی معرفی شده است. کاشی مذکور در تاریخ نوزدهم جمادی دوم سال ۵۲۹ ه.ق ساخته شده است و به مدفن یکی از سادات تعلق دارد که در عنفوان جوانی در گذشته است. نام این سید علی بن احمد الحسینی است (قوچانی، ۱۳۷۱: ۱-۲). تاکنون تنها از چند مرکز مانند ساوه، سلطانیه، جرجان، تخت سلیمان و کاشان به عنوان مراکز تولیدی کاشی زرین فام، نام برده شده است (کیانی، ۱۳۷۶؛ واتسون، ۱۳۹۷). کاشی‌های زرین فام در بناهایی با کارکردهای مختلف به دست آمده‌اند؛ هرچند که واتسون معتقد است، این نوع کاشی‌های سبک کاشان در بناهای آرامگاهی، مساجد و زیارتی مانند قم، مشهد به دست آمده‌اند که منحصراً به اقلیت شیعه تعلق دارند، زیرا در دوره سلجوقیان شیعیان مورد آزار و اذیت قرار داشتند. در این دوره مهم‌ترین زیارتگاه‌های شیعیان در قم و نجف و مشهد بود. گرگان و کاشان، که بیشتر کاشی‌ها در آن شهرها ساخته شده‌اند، و همچنین ورامین، از مراکز مهم و پر قدرت شیعیان محسوب می‌شدند. وی همچنین از کاربرد کاشی‌های زرین فام با مضامین غیر مذهبی در بناهای مذهبی متعددی نام می‌برد و به کاربرد این کاشی‌ها در بناهای صوفیه نیز اشاره می‌کند. کارکرد آنها در ارتباط با مراسم تدفین و زیارتگاهی و مذهبی دانسته شده است (واتسون، ۱۳۹۷: ۲۱۳-۲۱۶). چندین قطعه کاشی شکسته زرین فام به دست آمده از قلعه توس نوذر متعلق به دوره اسماعیلیان است و این محوطه و قلعه کارکردی غیر مذهبی داشته‌اند. اما نظر واتسون در خصوص بنای حمام‌ها و کاخ‌ها و غیره پذیرفتنی نیست. این نوع

می‌دهد که برخی از این کاشیه متعلق به کتیبه‌ای بوده‌اند که تخریب شده‌اند. شکل‌گیری کاشی دارای کتیبه‌های برجسته می‌بایستی کم و بیش پیچیده بوده باشد. ظاهراً قالب جداگانه‌ای برای شکل‌گیری بدنه اصلی کاشی به کار می‌رفت و قالب‌هایی هم بر ای قسمت‌هایی نظیر کناره‌های تزئینی که برای هر کاشی این قالب را تکرار می‌کردند سپس، حروف کتیبه را به طور جداگانه شکل می‌دادند. این حروف از روی طرحی، احتمالاً کاغذی، بر روی سطح کاشی گل گرفته منتقل می‌شد (واتسون، ۱۳۹۷: ۳۰). از این نوع کاشی‌ها در دوره ایلخانی در بناهای پیر بکران، منار جنبان اصفهان به کار رفته است. ولی از آنجا که در دوره ایلخانی قلعه توس نوذر به طور کامل منهدم گردید بود، این کاشی‌ها متعلق به دوره اسماعیلیان می‌باشد و تاریخ آنها به این دوره بر می‌گردد.

کاشی‌های زرین فام در شهرها و محوطه‌های ذلف‌آباد فراهان، آوه، ساوه، سلطان‌آباد، قلعه دختر کرمان، ری، سلطانیه، جرجان، تخت سلیمان، کاشان، مشهد، قم، حریره کیش، ورامین، دامغان، قهرود، نطنز، خارک، یزد، الموت، بیستون، غیرا شناسایی شده ولی کارگاه‌های ساخت و تولید این کاشی‌ها تنها در کاشان و تخت سلیمان شناخته شده است (کیانی، ۱۳۷۶؛ قوچانی، ۱۴۰۱؛ Bahrami, 1988; Watson, 1977).

کاشی‌های خشتی کوکبی کتیبه دار: این نوع کاشی برای تزئین قسمت‌های داخلی و نمای بناها به کار می‌رفته است. احتمالاً این نوع کاشی در ترکیب با کاشی‌های زرین فام در توس نوذر به کار برده شده‌اند (بنگرید به واتسون، ۱۳۹۷: تصاویر رنگی). در برخی از این نمونه‌ها آثار برجسته کتیبه وجود دارد که نشان



شکل ۲۵: کاشی‌های زرین فام قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی اثر).



شکل ۲۶: کاشی‌های لاجوردی و فیروزه‌ای قالبی قلعه توس نوذر (پرونده ثبتی اثر).

تحلیل تاریخی (مکانیابی و ویرانی)

در دوره اشکانی (سال ۲۴۷ پ.م) با پیشروی نظامی آنها به سمت غرب و تصرف پارت و هیرکانی گام نخست برای تشکیل شاهنشاهی اشکانی برداشته شد. در سال ۲۲۸ پ.م سلوکوس دوم برای سرکوبی اشکانیان اقدام کرد ولی بر اثر نابسامانی های داخلی و مقاومت اشکانیان بدون دستاوردی ناچار به انطاکیه بازگشت و عملاً دست اشکانیان را برای اقدامات دیگر باز گذاشت. بعد وی آنتیوکوس سوم در سال ۲۰۹ پ.م به شرق لشکرکشی کرد که چند سال به درازا کشید، در پیکارهای متعدد اشک دوم (۱۹۱-۲۱۷ پ.م؟) توانست این حمله را دفع کند. اما طی پیمانی فرمانروایی سلوکیان را پذیرفت (ولسکی، ۱۳۹۳: ۲۲۳؛ فرای، ۱۳۷۷: ۲۹۲). آنتیوکوس چهارم در سال ۱۷۱ پ.م همزمان با بر تخت نشستن مهرداد اول (پایه گذار راستین شاهنشاهی اشکانی) در لشکرکشی به شرق ایران ناکام ماند. ولی در غرب با تصرف ماد به موفقیت هایی دست یافت و همدان یا هگمتانه به افتخار او ایپفانا نامگذاری شد (فرای، ۱۳۷۷: ۲۹۳). در این زمان اشکانیان با سلوکیان همجوار شدند و هکاتوم پیلوس یا صد دروازه (شهر قورم) به پایتختی برگزیده شد. به هرروی با ضعف ناشی از شکست سلوکیان از رومیان، مهرداد اول در سال ۱۴۸ پ.م موفق شد که همدان را از دست آنها خارج کند. پیروزی های مهرداد یکم و فتح ماد به معنای دسترسی به بین النهرین بود. بنابراین، در این فاصله بین سال ۱۷۱ پ.م تا ۱۴۸ پ.م تفرش و نواحی همجوار به عنوان جبهه ای نظامی و دفاعی در برابر سلوکیان نقش مهمی داشته است (بنگرید به نوراللهی، ۱۴۰۱). قلعه توس نوذر یکی از دژهایی بود که در طی این ۲۳ سال بنیان گذاشته شد. علاوه بر جنبه تدافعی، به گمان در این دوران به عنوان مرکز فرماندهی و هماهنگ کننده نقش ایفا می کرده است. در دوره ساسانی این قلعه به عنوان یکی از قلعه های استراتژی و نظارتی بر راه هایی که از این ناحیه می گذشته اند، نقش خود را حفظ کرده بود و با فروپاشی ساسانیان در واقع این قلعه و قلعه های دیگر ناحیه تفرش آخرین خطوط دفاعی ساسانیان را در برابر یورش قبایل عرب تشکیل می داده است (حسن قمی، ۱۳۶۱).

با سقوط ساسانیان این قلعه به نظر می رسد، تا مدتی پس از آن همچنان مورد استفاده بود ولی با نابسامانی های این دوران

این قلعه نیز متروک می شود. دو یا سه سده بعد با توجه به حضور گروه های ناراضی با شکل گیری اسماعیلیان تفرش به عنوان حلقه ارتباطی بین قلعه ها و مناطق تحت نفوذ اسماعیلیان با نواحی اصفهان و همجوار مورد توجه قرار می گیرد. در واقع پایه گذاری و بنیان قلعه توس همزمان با سایر قلعه های اسماعیلی از جمله قلعه های اسماعیلی در قزوین و دامغان و دیگر نواحی بوده است. اهمیت این قلعه در این بوده، می توانسته خطوط ارتباطی ایمن اسماعیلیان با جنوب، جنوب غرب و شرق و غرب را کنترل و تکمیل نماید. نکته ای که در قلعه های اسماعیلی دیده می شود اینست که بیشتر قلاع آنها بر روی قلعه های دوران تاریخی ایجاد شده اند که نشان دهند آگاهی دقیق آنها نسبت به جغرافیای مناطق مختلف و همچنین ناشی از استراتژی و راهبردی بوده است که آنها در پیش داشتند. به طور کلی، استراتژی نظامی بنیادین اسماعیلیان به ضرورت دفاعی بود نه تهاجمی. این خط مشی از واقعیتی نشأت می گرفت که آنها در همه جا اقلیت تحت تعقیب کوچکی بودند و دولت آنها پیوستگی سرزمینی نداشت. قلعه ها و موضع های آنها، شاید به استثنای قهستان، مرزهای مشترک و پسرانه ای نداشتند که نیروی انسانی ذخیره را در آنجا مستقر ساخت، انبارها را تمرکز داد و پایگاهی ثابت و پابرجا به وجود آورد. در نتیجه دفاع عمقی غیر ممکن بود. گذشته از این، حرکت از یک نقطه به این دولت به نقطه دیگر همیشه مستلزم عبور از سرزمین دشمن بود. دشواری ارتباطات، و دور افتادگی جایگاه های اسماعیلیان می توانست هر زمان مایه فروپاشی دولت آنان شود (ویلی، ۱۳۸۶: ۹۶).

بعد از درگذشت اکتای در سال ۶۳۹ ه.ق/۱۲۴۱ م گیوک جانشینش شد وی تنها دو سال حکومت کرد، در سال ۶۴۶ ه.ق/۱۲۴۸ م منگوقاآن جانشین وی گردید. وی هولاکورا برای تثبیت حکومت مغولان در سرزمین های مرکزی دنیای اسلام از ایران امروزی و شام تا مرزهای مصر اعزام کرد و به وی دستور داد تا این مناطق را به تصرف در آورد و همچنین بغداد را تصرف کرده به خلافت عباسیان پایان دهد. در این مأموریت اولین چالشی که هولاکو با آن روبرو بود اسماعیلیان قدرتمند و قلعه های بی شمار آنها بود. بنابراین، بایستی اول این دشمنان را نابود و قلعه هایشان ویران گردد (ویلی، ۱۳۸۶: ۱۰۸). مغولان هنگامی که در اروپا پیشروی می کردند به ویژه به خوبی

(بنگرید به مستوفی، ج ۱، ۱۳۶۲: ۱۲۹). بنابراین، پر بیراه نخواهد بود که بگوئیم قلعه توس نوذر با توجه به محدودیت فضایی و موقعیت جغرافیایی، مدافعان آن امکانات زیادی برای ایستادگی در برابر این هجوم نداشتند. به گمان بیشتر از یک یا دو سال در برابر هجوم تاب نیاورده‌اند و قلعه به‌طور کامل منهدم شده است.

نتیجه‌گیری

قلعه توس نوذر بر اساس داده‌های باستان‌شناسی در دوره اشکانیان بنیاد گذاشته شده و در دوره ساسانیان همچنان مورد استفاده بوده است. بعد از فروپاشی سلسله ساسانی این منطقه همچنان رونق خود را حفظ کرد و با توجه به شرایط طبیعی این منطقه در دوره اسلامی پناهگاه ناراضیان و گروه‌های مخالف از جمله اسماعیلیان گردید که در این ناحیه و نواحی اطراف دارای قلعه‌های متعددی از جمله قلعه دختر ساوه بودند. قلعه توس نوذر در این دوره توسط اسماعیلیان بازسازی گردید و به گمان آب انبارها و تاسیساتی دیگر به آن برای دوام آوردن در محاصره‌های طولانی اضافه شد. از طرفی دیگر می‌توان این قلعه را حلقه ارتباطی بین قلاع اسماعیلی در ناحیه اصفهان و ارجان با نواحی ساوه، قزوین و دیگر قلعه‌های اسماعیلی در قومس، قهستان و کوهستان‌های البرز دانست. با یورش مغولان این ناحیه نیز صدمات فراوانی دید و قلعه توس نوذر که در این دوران یکی از پایگاه‌های اسماعیلی بود نیز منهدم گردید و به‌طوری که متون تاریخی بعد حمله مغول اشاره می‌کنند از ۳۲ دیه تفرش تنها ۱۳ پاره دیه باقی مانده بود. این ارتباطات در داده‌های سفالی و معماری منعکس شده است. در بررسی قلعه توس نوذر شواهدی از دوره‌های بعد از ویرانی آن توسط هلاکو و لشکریانش به‌دست نیامد. به نظر می‌رسد اوج حیات این قلعه تا اواخر حضور اسماعیلیان در آن بوده است. هرچند اسماعیلیان بعد از ویرانی این قلعه تا چند سده بعد در این نواحی و نواحی همجوار حضور داشتند ولی دیگر قدرت سیاسی و نظامی سابق را نداشتند، حضور آنها بیشتر جنبه مذهبی داشته است. عبدالحسین آیتی اشاره دارد به اینکه قصر این قلعه در دوره شاه اسماعیل اول بازسازی می‌شود، ولی در بررسی شواهدی به‌دست نیامد. احتمالاً این نظر بیشتر تحت تأثیر اقدامات و ساخت‌وسازهای بوده است که در این دوره در

مجهز به منابع و ماشین‌های محاصره نبودند. اما در طی پیشروی هولاکو به درون ایران چون می‌دانستند احتمالاً مجبور به استفاده از تاکتیک‌های محاصره خواهند بود، به‌ویژه علیه قلاع اسماعیلی، به مهندسان متخصص چینی یا مسلمان خود که تجربه بیشتری در تاکتیک‌های محاصره داشتند اتکاء ورزیدند. از قرن دوم تا پنجم ه‍.ق (هشتم تا یازدهم م.) سپاهیان مسلمان به حمله غافلگیرانه محاصره و شهربندان و نقب زنی برای درهم شکستن مقاومت قلعه‌هایی که محاصره می‌کردند دست می‌یازیدند مدافعان ابتدا بیرون قلعه یا شهر می‌جنگیدند تا مهاجمان را از استقرار در موضع‌های محاصره باز دارند.

برای مغولان ویرانی کامل الموت و دیگر قلعه‌های اسماعیلی موضوعی بود که بالاترین اهمیت را داشت البته نه به دلایل مذهبی بلکه بخاطر مزایای سیاسی و نظامی که عایدشان می‌شد. تسلیم و نابودی کامل اسماعیلیان برای بسط و گسترش قدرت مغولان به سمت غرب به سرزمین‌های مرکزی اسلامی امری اساسی بود.

علی‌رغم تاکتیک‌ها و شیوه‌های نظامی کارآمدی که مغولان در یورش‌هایشان به کار می‌گرفتند. اما قلعه الموت و قلعه‌های دیگر مانند لمبسر، گردکوه یا سارو و به‌ویژه نویر شاه از سنگ باران‌ها و تیرباران‌های مغولان ایمن بودند و صدمه زیادی ندیدند و توانستند مدت بیشتری ایستادگی کنند، چنان‌که مدافعان گردکوه تا ۱۷ سال یعنی سال ۶۶۹ ه‍.ق / ۱۲۷۰ م. تسلیم نشدند. مقاومت و ایستادگی گردکوه شاهد و گواه مسلمی است بر اینکه از نظر نظامی و سوق الجیشی، مکان یابی و شیوه قلعه‌سازی اسماعیلیان کارآمد و درست بوده است. با توجه به ایستادگی سرسختانه و موفق دژهای پیشگفته، می‌توان گفت چنانچه فاجعه تسلیم میمون دژ (۶۵۴ ه‍.ق / ۱۲۵۶ م) رخ نمی‌داد به گمان اسماعیلیان سال‌های بسیار می‌توانستند در برابر مغولان ایستادگی کنند (ویلی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). به گمان قلعه توس نوذر همزمان با سایر قلاع اسماعیلی مورد هجوم قرار می‌گیرد. با توجه به موقعیت آن که امکان محاصره هجوم نیروی پیاده به آن بسیار محدود بود. همچنین، با توجه به سنگ‌های منجنیق که در محل یافت شده، به این سلاح جهت دفاع مجهز بوده است. در این دوران به گفته مورخین از ۳۲ دیه تفرش، تنها ۱۳ پاره دیه باقی می‌ماند

توحیدی، فائق (۱۳۸۵). مبانی هنرهای فلزکاری، نگارگری، سفالگری، بافته ها و منسوجات، معماری و خط و کتابت. تهران: نشر سمیرا.

توحیدی، فائق (۱۳۸۲). فن و هنر سفالگری. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
پرونده ثبتی قلعه گردکوه (۱۳۷۹). گزارش قلعه گردکوه، شماره ثبت: ۲۶۵۰.

پرونده ثبتی (۱۳۸۰). بقایای قلعه نویز شاه. شماره ثبت: ۵۵۵۱.

پرونده ثبتی قلعه لمبسر (۱۳۸۲). شماره ثبت: ۸۵۷۱.
پوربخشنده، خسرو (۱۳۷۶). بررسی و شناسایی باستانشناسی آشتیان و تفرش علیا. بایگانی پژوهشکده باستانشناسی کشور (منتشر نشده).

رهبر، مهدی (۱۳۸۲). کاوشهای باستانشناسی خورهر. تهران: انتشارات پازینه.

دفتری، فرهاد (۱۳۷۵). تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: انتشارات فروزان نور.

دژ مخوی، مریم (۱۳۸۶). نظری اجمالی بر سفال قالب زده عصر سلجوقی. مجله باستان پژوه، ۹(۱۵)، ۲۷-۳۱.
دهگان، ابراهیم (بی تا). تاریخ اراک. جلد ۱. اراک: انتشارات فرهنگ.

دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۵)، لغتنامه دهخدا. جلد چهاردهم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ذکاء، یحیی، سمسار، محمدحسین (۱۳۵۷). آثار هنری ایران در مجموعه نخست وزیری. تهران: انتشارات نخست وزیری.
ستوده، منوچهر (۱۳۴۵). قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

سیفی فمی تفرشی، مرتضی (۱۳۶۱). سیری کوتاه در جغرافیای تاریخی تفرش و آشتیان. تهران: انتشارات امیرکبیر.

شراهی، اسماعیل (۱۳۸۹). گزارش فصل دوم کاوش در محوطه ذلف آباد فراهان. آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان مرکزی (منتشر نشده).

شهرابی فراهانی، محمدحسین (۱۳۹۷). قلاع و استحکامات کوهستانی شهرستان تفرش. مطالعه موردی قلعه توس بن نوذر شاه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهرکرد (منتشر نشده).

سطح تفرش انجام شده است به ویژه ساخت چندین بنای مذهبی چون امام زاده قاسم کهک، شاهزاده احمد کوهین و امامزاده ابوالعلی مهدی و بی بی ستین. در بررسی سطحی تعدادی سفال و داده‌های دیگر جمع آوری شد که شامل سفال‌های دوران تاریخی (اشکانی و ساسانی) و اسلامی است بر اساس شواهد یعنی وجود کوره‌ها و غیره می‌توان گفت که بیشتر آنها تولید شده در خود محل بوده‌اند هرچند در میان آنها می‌توان شباهت‌های نزدیکی با نمونه‌های یافت شده در آوه، ری، گرگان و دیگر نواحی همجوار یافت. نمونه‌های وارداتی شامل سفال‌های پرکار زرین فام (با نقوش زن و اسلیمی)، سفال‌های مینایی و دیگر گونه‌ها، کاشی‌های زرین فام و کاشی‌های لاجوردی و فیروزه‌ای، مهره‌های فیروزه و لاجورد و برخی ظروف شیشه‌ای هستند که از گرگان، ری، آوه، کاشان و شمال شرق و دیگر نقاط با واسطه‌هایی به قلعه توس نوذر وارد شده‌اند. زیرا تولید برخی از آنها از جمله زرین فام و مینایی مستلزم مهارت و فناوری بالایی است.

منابع

آیتی، عبدالحسین (۱۳۲۱). هوگوی ایرانی (نخستین پرواز بشر). یزد: بی نا.

ابوالقاسم فردوسی (۱۳۷۷). پادشاهی نوذر. زو. گرشاسپ. کی قباد. به اهتمام محمد دبیر سیاقی. تهران: نشر قطره.

ابن خردادبه، عبیدالله بن عبدالله (۱۳۷۱). المسالك و الممالك. ترجمه سعید خاکرند. تهران: موسسه فرهنگی حنفاء.
ابوالفضل، علی، اسماعیل شراهی، علی نوراللهی (۱۳۸۷). پرونده ثبتی قلعه توس نوذر. آرشیو اداره میراث فرهنگی استان مرکزی.

استرابو (۱۳۸۱). جغرافیای استرابو: سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات ایرج افشار.

اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). مرات البلدان. با تصحیحات و حواشی و فهرس به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث. تهران: موسسه انتشارات و چاپ نشر دانشگاه تهران.

بهرامی، مهدی (۱۳۲۷). صنایع ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کامبخش فرد، سیف الله (۱۳۸۶). سفال و سفالگری در ایران. تهران: انتشارات ققنوس.
- کلایس، ولفرام (۱۳۵۴). گزارشهای باستانشناسی در ایران. ترجمه مهندس سروش حبیبی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کریستین سن، آرتور امانوئل (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی، ویراستار رضا باغ بیدی. تهران: صدای معاصر.
- کریمی، فاطمه، کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۴). هنر سفالگری دوره اسلامی. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۷۶). تزیینات وابسته به معماری اسلامی ایران دوره اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- عظیم‌زاده، هوشنگ (۱۳۵۲-۱۳۵۴). گزارشهای بررسی و شناسایی شهرستان ساوه و زرنديه. سازمان میراث فرهنگی استان مرکزی (منتشر نشده).
- لشکری، آرش (۱۳۹۷). بررسی و مطالعه سفال‌های زرین فام نویافته آوه. فصلنامه نگر، (۴۵)، ۱۱۷-۱۲۶.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۷۷). میراث باستانی ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱). تاریخ قم. مترجم حسن بن علی قمی، مصحح جلال‌الدین تهرانی. تهران: انتشارات توس.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۷۱). اشعار فارسی کاشی‌های تخت سلیمان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- قوچانی، عبدالله (۱۴۰۱). کاشی‌های زرین فام شهر کهن حریره-جزیره کیش. به کوشش مهناز رحیمی‌فر. تهران: نشر فرسنگ.
- حاج سیاح (۱۳۴۶). سفرنامه حاج سیاح. به کوشش حمید سیاح، به تصحیح سیف‌الله گلکار. تهران: بی‌نا.
- حسنی، حمیدرضا (۱۳۸۲). مردم‌نگاری شهرستان تفرش. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- مارکوارت، یوزف (۱۳۷۳). جغرافیای ایران‌شهر مبنی بر جغرافیای موسی خورنی. ترجمه مریم میراحمدی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- مستوفی قزوینی، ابی بکر حمدالله (۱۳۶۲). نزه‌القلوب. به کوشش گای لسترنج، جلد ۱. تهران: دنیای کتاب.
- نوراللهی، علی (۱۴۰۳). استقرارهای ساسانی حوضه رودخانه قره‌چای شهرستان تفرش استان مرکزی. پیام باستان‌شناس، ۱۶(۳۰)، ۱-۳۴.
- نوراللهی، علی (۱۴۰۱). بررسی باستان‌شناسی استقرارهای دوره اشکانی حوضه آبریز قره‌چای شهرستان تفرش استان مرکزی. پژوهش‌های ایران باستان، (۴)، ۳-۳۹.
- نوراللهی، علی (۱۳۸۶). گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش مرکزی شهرستان تفرش استان مرکزی. جلد اول و دوم، آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری استان مرکزی، منتشر نشده.
- نوراللهی، علی، علی‌لو، سارا (۱۳۹۵ / ۲۰۱۶). پژوهشی در بناهای آرامگاهی شهرستان تفرش. دیار، (۲)، ۳۰-۷۰.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۷). بررسی باستان‌شناسی مساجد و تکایای شهر تفرش. رازان، (۷)، ۹۳-۱۱۲.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۹ الف). بررسی باستان‌شناسی کاروانسرای خانک در مسیر کوهستانی تفرش به ساوه. فصلنامه ایران ورجاوند، ۳(۵)، ۴۷-۷۴.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۹ ب). جایگاه و کارکرد آتشکده نویس تفرش از دیدگاه تاریخی و باستان‌شناختی. رازان، (۱۳)، ۱۰۵-۱۳۰.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۵). سنگ‌نگاره‌های یازلی چای، گندم کوه و زاغرم. دیار، (۱)، ۸۵-۱۱۳.
- نوراللهی، علی (۱۳۹۱). مقایسه بنای ملاحسن کاشی با بناهای آرامگاهی شهرستان تفرش در استان مرکزی. فصلنامه فرهنگ زنجان، (۳۴-۳۵)، ۴۷-۷۹.
- بی‌نام (۱۳۶۲). حدودالعالم من‌المشرق الی‌المغرب. به کوشش منوچهر ستوده. تهران: انتشارات کتابخانه طهوری.
- واتسون، آلیور (۱۳۹۷). سفال زرین فام ایرانی. ترجمه شکوه ذاکری. تهران: سروش.
- وکیلی تبریزی، رضا (۱۳۹۵). تاریخ عراق (سلطان آباد، عراق، اراک). تهران: نشر آیندگان.
- ولسکی، یوزف (۱۳۹۳). شاهنشاهی اشکانی. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- وولف، هانس (۱۳۷۲). صنایع دستی کهن ایران. ترجمه سیروس ابراهیم‌زاده. تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.

- Landscapes of Sasanian Iran* (British Institute of Persian Studies, Archaeological Monograph Series), Oxbow: Oxford, 447-534.
- Kennt, D. (2004). *Sasanian and Islamic Pottery from Ras al-khaimah, Classification chronology and analysis of trade in the western Indian ocean*, Durham University.
- Trinkaus, Kathryn Maurer (1981). *The Partho-Sassanian Northeast Frontier. Settlement in the Damghan Plan, Iran*, a Dissertation in Anthropology of the University of Pennsylvania.
- Trinkaus, Kathryn Maurer (1986). Pottery from the Damghan Plain, Iran: Chronology and Variability from the Parthian to the Early Islamic Periods, *Studia Iranica*, Vol. 15, No. 1, Pp.23-88.
- Mason, R. (1997). Mediaeval Iranian Luster Painted and associated wares: Typology in a multidisciplinary study, *Iran*, Vol 35, pp103-135.
- Watson, Olive (2004). *Ceramics from Islamic lands*, London: Thames and Hudson
- Watson, Oliver (1977). *Persian Luster Tiles (13th-14th Centuries)*, PhD thesis, university of London.
- Wenke, R. (1975-76). Imperial investments and agricultural developments in Parthian and Sasanian, Khuzestan: 150 B.C. to A.D. 640. *Mesopotamia*, 10-11, 31-221.
- Wilkinson, C. K. (1973). Nishapur pottery of the early islamicperiod. New York: The Metropolitan Museum of art.
- Wilson, Ralph Pinder (1963). Appendix C. Persian Pottery at the time of the Assassins, in *The castles of the Assassins* by Peter Willey, London, G.G. Harrap, pp. 320-328.
- Whitcomb, D.S. (1985). *Before the Roses and Nightingales. Excavations at Qasr-i Abu Nasr, Old Shiraz*, New York: Metropolitan Museum of Art.
- ویلسن، آلن جیمز (۱۳۸۷). سفالگری اسلامی از آغاز تا دوره ایلخانی در موزه آشمولین آکسفورد. ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ویلی، پیتر (۱۳۸۶). آشیانه عقاب: قلعه‌های اسماعیلی در ایران و سوریه. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه روز.
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۸۲). تاریخ یعقوبی. جلد ۱، ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، ابن واضح (۲۵۳۶). البلدان. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- Bahrami, M. (1988). *Gurgan Faïences*, Ontario: Mazda publisher.
- Ricciardi, Roberta Venco (1970). Sasanian Pottery from Tell Mahuz (North Mesopotamia), *Mesopotamia* (Turin, Italy), Vol.5-6, pp. 428-482.
- Lecomte, Olivier (1987). *La ceramique Sassanide, in Fouilles de Tureng Tepe I*, (sous la direction de Jean Deshayes) 1. Les périodes sassanides et islamiques par Rémy Boucharlat et Olivier Lecomte, avec les contributions de Jean-Claude Gardin et Rika Gyselen, pp.93-121.
- Kiani, M. Y. (1982). *Parthian sites in Hyrcania: The Gurgan plain*, AMI, Erganz. bd. 9* Berlin, D. Reimer.
- Keall, E. J., and Keall, M. J. (1981). The Qal'eh-i Yazdigird Pottery: A Statistical Approach, *Iran*, Vol. XIX, pp.33-80.
- Kleiss, Wolfram (1999). Der Chahartaq von Navis im Bergland von Tafresh, in: *The Iranian World, Presented to Ezat O. Negahban*, Eds. by: A. Alizadeh, S. Malek Shahmirzadi, Y. Majidzadeh, Teheran, Nashr I Daneshgahi, pp. 200-209.
- Priestman, Seth M.N. (2013). Sasanian Ceramics from the Gorgan Wall and Other Sites on the Gorgan Plain," In Sauer, E. W., Rekavandi, H.O., Wilkinson, T.J. et al. 2013: *Persia's Imperial Power in Late Antiquity: The Great Wall of Gorgan and the Frontier*